

اطلاعیه هیئت سیاسی - اجرائی سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مردم افغانستان نباید تاوان

جنایت‌های تروریسم را بدهند

## قطعه نامه شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در باره فاجعه تروریستی در آمریکا

در صفحه ۲

گزارش جدید موریس کاپیتورن در باره

وضعیت حقوق بشر در ایران انتشار یافت

برخورد مقامات امنیتی و قضائی

با مخالفان سیاسی و دگراندیشان

نگران کننده است

در صفحه ۲

به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس

حزب توده ایران

تاریخ حزب توده ایران بخشی از

تاریخ جنبش چپ ایران است

۶۰ سال از تأسیس حزب توده ایران گذشت. حزب توده ایران حداقل در سی سال نخست موجودیتش، پرچمدار اصلی جنبش چپ ایران بود. در دهه ۱۳۲۰، پیشروترین شخصیت‌های سیاسی، بخش بزرگی از هنرمندان و نویسندگان و نیروی عظیمی از کارگران و زحمتکشان در کشور ما حول حزب توده ایران متشکل شدند. حزب توده ایران در بسیاری از عرصه‌ها، به پیشاهنگ مدرنیته کردن حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران تبدیل شد. در حالی که سایر نیروهای سیاسی، هنوز فرسنگ‌ها با موضع دفاع از حقوق زنان فاصله داشتند، حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی بود که در سطحی گسترده به متشکل کردن زنان و گنجاندن خواستهای آنان در برنامه سیاسی و عملکرد خود پرداخت.

ادامه در صفحه ۳

### در این شماره

افغانستان پس از طالبان

بهراد کریمی

در صفحه ۷

روشنگران، مقبولیت و انزگاری اجتماعی

گفتگو با مراد لنگی سردیر فصلنامه گفتگو

در صفحه ۹

ملت ایران خواستار مبارزه قاطع با تروریسم

و بنیادگرایی بدون قید هیچ پیش شرطی است

دانش باقریور

در صفحه ۱۰

ضرورت تشکیل علنی فراکسیون رادیکال فدائیان اکثریت!

علی اکبر مهرزاد

در صفحه ۱۰

## منافع ملی ایران قربانی حفظ قدرت ولی فقیه

● خاتمی با موضع‌گیری سریع و به موقع در محکومیت عملیات تروریستی، ابتکار عمل را در سیاست خارجی کشور به دست گرفت

● محافظه کاران از اینکه ممکن است بن بست مناسبات ایران و آمریکا شکسته شود، خشمگین شدند

● رفسنجانی: حاضریم به عضویت «ائتلاف بین‌المللی مبارزه با تروریسم» به محوریت سازمان ملل درآئیم

جمهوری اسلامی ایران از نظر ژئوپلیتیک در منطقه خاورمیانه، همسایگی با افغانستان و نزدیکی به آسیای میانه از یکسو و مواضع دولت خاتمی نسبت به حوادث اخیر آمریکا از سوی دیگر موجب شد که کشورمان مورد توجه محافل سیاسی بین‌المللی قرار گیرد. دولت آمریکا و انگلیس و نیز اتحادیه اروپا در هفته‌های اخیر کوشیدند که نظر ایران نسبت به مبارزه بین‌المللی علیه تروریسم را چلب نمایند. خواست دولت بوش آن بود که جمهوری اسلامی نیز موضع مثبت به حمله نظامی آمریکا به افغانستان و ساقط کردن دولت طالبان اتخاذ کند. محافظه کاران که ابتکار عمل را در رویدادهای اخیر از دست داده و جاسمانده بودند، به سم پاشی علیه مواضع دولت خاتمی و مسافرت جک استراو وزیر امور خارجه انگلیس پرداختند. آنها از اینکه بن بست مناسبات ایران و آمریکا به دست اصلاح‌طلبان حکومتی شکسته شود، خشمگین بودند. اولین واکنش‌ها در روزنامه

روایت اخیر آمریکا صحنه سیاسی کشور و منازعات بین جناح‌های حکومتی راتحت تاثیر قرار دارد. در هفته‌های اخیر مسائل بین‌المللی جایگزین مسائل داخلی کشور گردید و کشمکش جناح‌ها پیرامون مبارزه با تروریسم و چگونگی شرکت جمهوری اسلامی در آن و نیز مناسبات با دولت آمریکا و انگلیس کانونی شد.

گرچه ولی فقیه در تدوین و پیشبرد سیاست خارجی کشور نقش تعیین‌کننده دارد، ولی خاتمی با موضع‌گیری سریع و به موقع در محکومیت تروریستی‌ها، گفتگوی تلفنی با تونی بلر نخست‌وزیر انگلیس و دعوت از وزیر امور خارجه انگلیس به ایران، ابتکار عمل را به دست گرفت.

اعلام یک دقیقه سکوت در مسابقات فوتبال در تهران به خاطر قربانیان عملیات تروریستی، انتشار اعلامیه جبهه مشارکت اسلامی در محکومیت ترور، گردهمایی‌ها در میدان محسنی و ابراز انزجار از ترور، موضع‌گیری نمایندگان مجلس علیه تروریسم، حذف شعار «مرگ بر آمریکا» در نماز جمعه فضای تازه‌ای را در کشور بوجود آورد. در چنین فضایی این انتظار در محافل سیاسی کشور و محافل بین‌المللی بوجود آمده بود که



## اعتراض جامعه کارگری نسبت به مصوبه مجلس شورا

در مورد بازسازی و نوسازی صنایع نساجی

دبیر کل خانه کارگر: مصوبه مجلس ۱۰۰ هزار کارگر را بیکار می‌کند

مجلس شورا لایحه ارائه شده از جانب دولت برای بازسازی و نوسازی صنایع نساجی را تصویب کرد در این لایحه تعدیل نیروی انسانی در این واحدها پیش‌بینی شده و مرجع آن به کمیته‌ای متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی، صنایع و معادن و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی محول شده است. این کمیته در مورد اخراج کارگران در واحدهای نساجی تصمیم‌گیری خواهد کرد. ادامه در صفحه ۲

## کارگران شرکت رادیاتور ایران:

بهبائی که کارگران برای تشکیل انجمن صنفی می‌پردازند

### اخراج است

مدیرعامل شرکت اعضا منتخب هیات مدیره انجمن صنفی را اخراج و تمامی حقوق و مزایای آنان را قطع کرده است. مدیرعامل شرکت رادیاتور ایران، از تشکیل فعالیت انجمن صنفی کارگران این شرکت جلوگیری می‌کند. به گزارش خبرنگار اقتصادی ایسنا، تاکنون مدیرعامل شرکت یادشده با ممانعت از تشکیل شورای اسلامی کار و انجمن صنفی کارگران، حق اولیه کارگران را در این زمینه سلب کرده و متأسفانه

## استعفای دسته‌جمعی نمایندگان استان کردستان

در صفحه ۷

## بر مقاله منافع ملی ایران در مبارزه بین‌المللی علیه تروریسم است

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی یک روز پس از سفر جک استراو وزیر خارجه بریتانیا به ایران، هر گونه همکاری ایران با ایالات متحده در مبارزه با تروریسم را منتفی دانست و شرکت جمهوری اسلامی در تلاش‌های بین‌المللی علیه تروریسم را منوط به نقش رهبری سازمان ملل در این تلاش‌ها کرد، آن هم به شرطی که این سازمان از زیر کنترل قدرت‌های بزرگ خارج شود.

این موضع‌گیری آقای خامنه‌ای در حقیقت به معنای بستن راه همکاری ایران با جامعه بین‌المللی در مبارزه علیه تروریسم است، چرا که همه می‌دانند انجام اصلاحات در سازمان ملل در جهت دمکراتیک‌تر کردن آن، که به نوبه خود خواست همه کشورهای محروم از حق و تو در شورای امنیت است، در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست، آن هم در شرایطی که مبارزه با تروریسم در دستور کار عاجل جامعه بین‌المللی قرار گرفته است. غیرقابل تصور است آقای خامنه‌ای نداند که قائل شدن شرط اصلاحات در سازمان ملل، به کلی راه شرکت ایران در کارزار بین‌المللی علیه تروریسم را در شرایط کنونی می‌بندد. غیر قابل تصور است رهبر جمهوری اسلامی در نیافته باشد که در حال حاضر اگر جامعه بین‌المللی بتواند آمریکا را در مبارزه با تروریسم، متعهد به همکاری با سازمان ملل در همین وضعیت موجود این سازمان کند، به خواست حداکثر خود دست یافته است. و بالاخره غیرقابل تصور است که آقای خامنه‌ای شرایط غیرممکن برای پیوستن ایران به مبارزه علیه تروریسم را به سهو تعیین کرده باشد.

آقای خامنه‌ای به خوبی می‌داند که هر گونه تحت شعاع قرار گرفتن شعارهای غرب‌بستیزانه جمهوری اسلامی در راستای گسترش همکاری ایران با جامعه بین‌المللی، در سیاست داخلی کشور به ضرر جناح محافظه کار و موقعیت شخص رهبر جمهوری اسلامی در کشاکش قدرت است. همان‌گونه که جناح اصلاح طلب حکومت، منافع خود را در بیرون بردن جمهوری اسلامی از انزوای بین‌المللی می‌بیند و از همین رو، ادامه در صفحه ۲

## قطعنامه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### در باره فاجعه تروریستی در آمریکا

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فاجعه تروریستی در آمریکا و رویدادهای بعد از آن را در جلسه ۳۱ شهریور ۱۱ مهر ماه خود مورد بحث و بررسی قرار داد. شورا با تأیید مواضع متخذه توسط هیئت سیاسی اجرایی در این باره، قطعنامه زیر را به اتفاق آرا تصویب کرد.

۱ - شورای مرکزی حملات تروریستی علیه مردم آمریکا را شدیداً محکوم و آن را جنایت علیه بشریت تلقی می‌کند. شورا با مردم آمریکا و بازماندگان قربانیان این حملات ابراز همدردی می‌نماید.

۲ - هنوز مسببین و عاملین عملیات تروریستی آمریکا شناسایی نشده‌اند، اما نقش بنیادگرایان اسلامی، یا بعنوان آمر یا بعنوان عامل، در این عملیات منعکس است. ما بنیادگرایی، در هر یک از انواع آن را پدیده‌ای ارتجاعی و عملکرد آن را ضد حقوق بشر، مخرب و بزیان مردم جهان می‌دانیم. ما همچنان مخالف اندیشه‌های ارتجاعی و زمینه‌ساز تخاصم همچون «جنگ تمدن‌ها» هستیم و بر آنیم که حساب باورهای دینی شهروندان در جهان از اندیشه بنیادگرایی‌های مذهبی جداست.

۳ - ما از شکل‌گیری اراده نیرومند و متحد برای مبارزه با تروریسم در سطح جهان استقبال می‌کنیم و خواهان آنیم که به علل و ریشه‌های تروریسم پرداخته شود و با همکاری دولت‌ها تدابیر ضروری برای از بین بردن زمینه این جنایات اتخاذ گردد.

۴ - به نظر ما نظام ناعادلانه جهانی، تشدید بی‌عدالتی در جهان، شکاف بین شمال و جنوب، سلطه طلبی ایالات متحده آمریکا، عدم حل معضل خاورمیانه و سیاست جنگ طلبانه اسرائیل از عوامل و بسترساز رشد بنیادگرایی و تروریسم است.

۵ - جنگ راه غلبه بر تروریسم نیست و می‌تواند به فاجعه‌ای بس هولناکتر از عملیات تروریستی و به پیامدهای خطرناکی برای صلح و امنیت جهانی منجر گردد. ما همگان را برای دفع خطر جنگ و اجتناب از انتقام‌جویی فرا می‌خوانیم.

۶ - ما معتقدیم که برای پایان دادن به تروریسم باید از طریق سازمان ملل متحد اقدام گردد. ما از دولت آمریکا می‌خواهیم طبق ایده آقای کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد برای ایجاد یک ائتلاف جهانی علیه تروریسم زیر نظر این سازمان، عمل کند.

۷ - ترس از شعله‌ور شدن جنگ در افغانستان موجب فرار بخش عظیمی از مردم افغانستان و ایجاد فاجعه‌ای انسانی شده است. ما خواستار آنیم که همه کشورهای همسایه افغانستان با گشودن مرزهایشان به روی پناهندگان افغانی، و سازمانهای ذیربط بین‌المللی یا بکارگیری و جلب همه امکانات، نگذارند که انسانهای بیگناه قربانی حرکات تروریستی و فضای جنگی کنونی شوند.

۸ - ما واکنش دولت ایران در ارتباط با رویدادهای اخیر را که فاصله گیری از مواضع تشیع آفرین و خشونت‌زا بود، مثبت ارزیابی می‌کنیم. تأمین منافع ملی ایجاب می‌کند که دولت ایران در مبارزه علیه تروریسم و خشونت در هر شکل و نوع آن، در تلاش‌های بین‌المللی فعالانه اقدام کند.

۹ - ما تلاش برخی نیروهای سیاسی ایرانی برای سمت‌دادن اقدام نظامی علیه ایران و استفاده گروهی را اقدامی علیه منافع مردم ایران می‌شناسیم.

یکشنبه ۱ مهر ماه ۱۳۸۰ - ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۱

## منافع ملی ایران قربانی حفظ قدرت ولی فقیه

ادامه از صفحه اول

بوش استراوا به توافق نرسید. سخنرانی خامنه‌ای بعد از خاتمه مسافرت وزیر امور خارجه انگلیس به ایران، بلافاصله جلسه شورای عالی امنیت با شرکت خامنه‌ای تشکیل شد. تصمیمات این جلسه به پیرون درز نکرده. ولی به دنبال آن خامنه‌ای وارد میدان شد و آنچه را در طی چند هفته بافته شده بود، رشته کرد. او بار دیگر دولت آمریکا را استکبار جهانی نامید و گفت که ایران در «ائتلاف بین‌المللی» به رهبری آمریکا شرکت نمی‌کند. به دنبال سخنان او، شعار «مرگ بر آمریکا» توسط حاضرین سر داده شد. خاتمی نیز در سخنرانی‌اش از

بوش انتقاد کرد. قضای سیاسی کشور با سخنرانی خامنه‌ای تغییر نمود. او ابتکار عمل را دوباره بدست گرفت و بر تداوم همان سیاستی که تاکنون پیش رفته است، پای فشرده. امیدهایی که در محافل سیاسی کشور و در مجامع بین‌المللی برای شکستن بن‌بست مناسبات بین ایران و آمریکا و شرکت فعالانه جمهوری اسلامی در زدودن تشنج‌ها با دیگر کشورها بوجود آمده بود، به یاس تبدیل گردید. جمهوری اسلامی بار دیگر به جایگاه خود برگشت تا پرچم «مبارزه با استکبار جهانی» و دشمنی با نقد صلح فلسطین و اسرائیل و کمک به

حزب‌الله لبنان و گروه فلسطینی حماس و دیگران را هم‌چنان برافراشته نگاهدارد. خامنه‌ای برای حفظ موقعیت خود و جناح محافظه کار، این بار هم منافع ملی را قربانی کرد. اظهارات هاشمی رفسنجانی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در خطبه‌های نماز جمعه اظهار داشت: اگر آمریکا نخواهد سلیقه خود را تحمیل کند با همه اختلافاتی که با آن کشور داریم حاضریم به عضویت «ائتلاف مبارزه با تروریسم» به محوریت سازمان ملل متحد درآئیم. گفته می‌شود که سخنان رفسنجانی کوششی برای تعدیل مواضع

خامنه‌ای است. رفسنجانی به سخنان بوش در مورد جنگ صلیبی حمله کرد و گفت الان شرایط «اولدورم بلدورم» نیست. شرایط همکاری است و مبارزه جهانی با تروری ناسازگار است و قطعاً بدون همکاری بخش زیادی از کشورهای دنیا نمی‌توان مشکل تروریسم را حل کرد. او اضافه نمود که در این اظهارات با هیچ‌کس مشورت نکرده است و آنچه می‌گوید فقط تحلیل‌های خود او با تکیه بر تجربه سالها مدیریتش است. رفسنجانی ایجاد هماهنگی جهانی برای مبارزه با تروریسم را راه اصلی دانست.

مواضع دولت خاتمی نشان از گشایش فضای سیاسی جدید در ارتباط با مسائل بین‌المللی بود. خامنه‌ای با آغاز مواضع ضد آمریکائی، سیاست خارجی ایران را به نقطه اول بازگرداند. سخنان رفسنجانی بر ابهامات موجود افزود. اکنون مشخص نیست که تداوم سیاست و توسط چه کسی پیش می‌رود؟ آیا جمهوری اسلامی حاضر به شرکت «در ائتلاف بین‌المللی علیه تروریسم» با هدایت سازمان ملل است؟ یا اینکه هم‌چنان می‌خواهد به مقابله با جامعه جهانی برخیزد و منافع ملی را قربانی مصالح ولی فقیه و جناح حاکم کند؟

## منافع ملی ایران در مبارزه ...

ادامه از صفحه اول

خاتمی در همان روز ۱۱ سپتامبر به مردم آمریکا پیام همدردی فرستاد، به همان اندازه نیز آقای خامنه‌ای و تمامیت‌گرایان طرفدار ولایت مطلقه فقیه در حکومت، رابطه مستقیمی بین تداوم شعار «مرگ بر آمریکا» در سیاست خارجی و حفظ ابتکار عمل خود در سیاست داخلی می‌بینند. اگر ۱۱ سپتامبر، روز خاتمی و اصلاح طلبان حکومتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بود، ۲۶ سپتامبر یعنی روز نطق خامنه‌ای برای خانواده‌های قربانیان جنگ، روز قدرت‌نمایی رهبر جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی بود. در این روز، آقای خامنه‌ای بار دیگر به نحوی که همه بشنوند، گفت او است که در تعیین سیاست‌های جمهوری اسلامی، حرف آخر را می‌زند.

آقای خامنه‌ای با این موضعگیری، دو چیز را فدای منافع حقیرش در حفظ قدرت انحصاری خویش کرده است:

اولاً در حالی که منافع ملی ایران، در پیوستن به مبارزه بین‌المللی علیه تروریسم است، پافشاری بر موضع انزواگرایانه کنونی، به منافع ملی ایران لطمه جبران‌ناپذیری می‌زند. کافی است این موضع را با موضع سوریه در جنگ خلیج فارس مقایسه کنیم. دولت حافظ اسد که اتفاقاً خود آقای خامنه‌ای در ژانویه ۱۹۹۰ میلادی در آن دید که به مبارزه بین‌المللی برای بیرون راندن عراق از کویت بپیوندد. این همراهی بی‌سابقه دمشق با غوب، آن چیزی را که خود آقای خامنه‌ای بارها «مواضع اصولی» سوریه در بحران خاورمیانه نامیده است زیر سؤال نبرد و تحت‌الشعاع قرار نداد. اما فرقی آقای خامنه‌ای با حافظ اسد این است که دغدغه اصلی رهبر جمهوری اسلامی فعلاً سیاست داخلی و حفظ موقعیت برتر در حکومت است که آن را در خطر می‌بیند.

ثانیاً قانون اساسی جمهوری اسلامی این گونه دخالت رهبری در جزئیات سیاست خارجی را پیش‌بینی نکرده است. طبق اصل ۱۱۰ این قانون، تنها «سیاست‌های کلی» جمهوری اسلامی توسط رهبری تعیین می‌شود، در حالی که در اصل ۱۲۵ آمده است: «امضای عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی اوست». بر خلاف این تقسیم‌کار پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی، هفته گذشته شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی برای تصمیم‌گیری پیرامون موضع ایران در بحران بین‌المللی فعلی به نزد خامنه‌ای رفت و ظاهراً تصمیمی را گرفت که اکنون خامنه‌ای بیانگر آن شده است. در حالی که هم خامنه‌ای و هم خاتمی به درستی از اظهارات جرج بوش رئیس‌جمهوری آمریکا مبنی بر اینکه «هر که با ما نباشد با تروریست‌هاست» انتقاد کردند، خاتمی ضمن بیان این انتقاد اظهار امیدواری کرد بوش همان‌گونه که خطای اولیه خود در دزدن از «جنگ صلیبی» را تصحیح کرد و اکنون به همراه کردن کشورهای اسلامی با آمریکا در مبارزه با تروریسم، اهمیت می‌دهد، خطای دیگر خود را نیز تصحیح کرده، منطبق «هر که با ما نیست برماست» را کنار بگذارد.

شواهدی در دست است که دولت آمریکا فعلاً اعتدال‌گرایانه تر از آن عمل می‌کند که از موضعگیری‌های اولیه دولت‌مداران این کشور بلافاصله پس از ۱۱ سپتامبر برمی‌آید. هفته گذشته آمریکا که ابتدا بر این موضع بود که مجوز سازمان ملل در اقداماتش ضروری نیست، به شورای امنیت سازمان ملل متوسل و خواهان وضع مقرراتی علیه تروریسم توسط این شورا گردید. در حالی که بوش در نخستین نطق خود از «انتقام تمام عیار» دم زده بود، هفته گذشته دانیل رامسفلد وزیر دفاع دولت او تصریح کرد هدف دولت آمریکا نه انتقام، که دفاع از خود است.

مجموعه این شرایط نشانگر این است که هنوز هم برای ایران، فرصت پایان دادن به انزوای بین‌المللی از دست نرفته است. دولت ایران هنوز می‌تواند با تکیه بر این موضع که از مصوبات شورای امنیت سازمان ملل پیروی خواهد کرد، نقش خود را در تلاش‌های جامعه بین‌المللی علیه تروریسم ایفا کند. و البته کیست که نداند اتخاذ چنین سیاستی، به معنای نقد و نفی بسیاری از سیاست‌های دو دهه اخیر در خارج از بین‌المللی و نیز در برخورد با ایرانیان مخالف و متقد در داخل و خارج از کشور نیز هست. تروریسم دولتی در طول ۲۰ سال، بخش تفکیک‌ناپذیر سیاست دولت جمهوری اسلامی بوده است. گواه این ادعا، قتل‌های متعددی است که توسط عوامل جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور انجام گرفته است. از این سلسله جنایات، در سال‌های اخیر از جمهوری اسلامی تنها به چهار مورد پاییز ۷۷، آن هم به طور ناقص پرداخته شده است. ادعاهای قتل‌های غیر نظامی مبنی بر مخالفت با تروریسم، زمانی پذیرفتنی است که تابوی نقد سیاست‌های تروریستی ۲۰ ساله نیز شکسته شود. چنین نقدی در عین حال، موضع سیاست خارجی ایران را نیز تقویت خواهد کرد.

## اعتراض جامعه کارگری نسبت به مصوبه مجلس شورا

### در مورد بازسازی و نوسازی صنایع نساجی

ادامه از صفحه اول

بیکاری کارگران، مرجع اتخاذ تصمیم در مورد تعدیل نیروی انسانی در واحدها و نهایی نیروی انسانی بازمانده و سرگردان از این گونه مصوبات حساب نشده غافل مانده است.

علیرضا محبوب می‌گوید: دبیر کل خانه کارگر در اعتراض به مصوبه مجلس اظهار داشت: قانون حمایت از بازسازی و نوسازی صنایع نساجی کشور که به تازگی در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، مغایر با قانون کار جمهوری اسلامی است. به گفته وی مطابق قانون کار مرجع صالح برای اخراج کارگران

مصوبه مجلس شورا با اعتراض جامعه کارگری روبرو شد. کانون عالی شوراها کار با صدور نامه‌ای خطاب به نمایندگان مجلس، خواستار عدم ارائه هر گونه مجوز ورود منسوجات به صورت تجاری و چمدانی شدند. در نامه آمده است: «این طرح که تحت عنوان طرح نوسازی صنایع مورد توجه نمایندگان قرار گرفته است به نظر می‌رسد نسبت به نکات بسیار مهمی هم‌چون مرجع تصمیم‌گیری در مورد اصلاح ساختار واحدهای صنفی، تصویب‌کنندگان بیمه

## گزارش جدید موریس کاپیتورن در باره وضعیت حقوق بشر

### در ایران انتشار یافت

## برخورد مقامات امنیتی و قضائی با مخالفان سیاسی

### و دگراندیشان نگران‌کننده است

گزارش از: بی بی سی ۶ مهر ۱۳۸۰

مخالفت و ممانعت قدرتمندان محافظه کار روبرو شده است. در گزارش آقای کاپیتورن آمده است که در ساختار قضائی ایران، علی‌رغم نشانه‌های اولیه‌ای از تغییرات مهم، هنوز این ساختار نیاز به تغییرات جدی دارد.

بنا بر این گزارش ظاهراً هنوز بدرفتاری با افرادی که در بازداشت یا زندان به سر می‌برند شدید است، و بسیاری از مجازات‌هایی که اعمال می‌شود در نقض صریح موازین بین‌المللی حقوق بشر است، بخصوص سنگسار کردن و اعدام.

در ادامه گزارش آمده است که مخصوصاً برخورد مقامات امنیتی و قضائی با مخالفان سیاسی و دگراندیشان نگران‌کننده است زیرا این رفتار نشان می‌دهد که تحمل کمی برای نظر مخالف در ایران وجود دارد.

آقای کاپیتورن می‌گوید که می‌توان گفت که شیوه برخورد با برخی مخالفان که حتی در دوره شاه سابق هم مبارزه کرده

کمسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارش موریس کاپیتورن، گزارشگر ویژه این کمسیون را در مورد وضع حقوق بشر در ایران منتشر کرده است.

در گزارش آقای کاپیتورن آمده است که مردم ایران عمیقاً و به‌طور روزافزونی خواهان اصلاحات اند.

آقای کاپیتورن در گزارش خود افزوده است علی‌رغم تلاش بعضی محافل قدرتمند در ایران برای متوقف کردن جریان اصلاحات، پیشرفت‌هایی در زمینه اصلاحات حاصل شده است. اما او می‌گوید اختناق شدید علیه مطبوعات اصلاح طلب در ۱۵ ماه گذشته تأثیرات به شدت منفی‌ای در پیش برد حقوق بشر در ایران داشته است.

آقای کاپیتورن در مورد وضعیت زنان در ایران می‌گوید موقعیت زنان و بخصوص موقعیت حقوقی آنان بشدت با تبعیض مواجه بوده است و تلاش زنان برای ایجاد پیشرفت در این زمینه با

بودند، و حشایشانه است. در گزارش همچنین آمده است که مردم ایران بهای گزافی برای بن‌بست در هماهنگی نهادهای منتخب و غیرمنتخب پرداخته‌اند که در مورد مسائل قضائی و سیاست‌گذاری مربوط به اصلاحات با یکدیگر به توافق نمی‌رسند.

آقای کاپیتورن در گزارش خود هم‌چنین نسبت به وضع اقلیت‌های مذهبی در ایران اظهار نگرانی کرده است و گفته که آنها هم در جامعه و هم در برابر دستگاه رسمی مورد تبعیض قرار می‌گیرند.

بعلاوه بحران شدید اقتصادی در ایران، تورم، بیکاری و فقر از دیگر عوامل مهمی است که به بدتر شدن وضع حقوق بشر در ایران می‌انجامد.

در پایان گزارش آقای کاپیتورن آمده است که ایران نیازمند یک استراتژی جامع اقتصادی، اجتماعی و عمرانی است که باید در صدر برنامه‌های دولت قرار گیرد.

## کارگران شرکت رادیاتور ایران:

### بهای که کارگران برای تشکیل انجمن

### صنفی می‌پردازند اخراج است

ادامه از صفحه اول

گفتنی است، تشکیل انجمن صنفی بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی و ماده ۱۳۱ قانون کار، جز حقوق اولیه کارگران محسوب می‌شود. اما، مدیریت شرکت، کارگران انجمن صنفی را تحت فشار قرار داده و اعضا منتخب هیات مدیره انجمن صنفی را اخراج و تمامی حقوق و مزایای آنان را قطع کرده است. بر پایه این گزارش، سه نفر از اعضای اخراجی انجمن صنفی با مراجعه به خبرگزاری دانشجویان ایران، از تحت‌فشار و مجبور به استعفا بودن تعدادی از کارگران این شرکت خبر دادند. آنان هم‌چنین از عدم حمایت وزارت کار و امور اجتماعی در زمینه تأمین امنیت شغلی کارگران انتقاد کرده و گفتند: به دلیل اینکه مدیر عامل شرکت رادیاتور ایران دارای قدرت، ثروت و نفوذ می‌باشد،

مدیر اداره کار کرج از وی حمایت کرده و حمایتی از کارگران در تشکیل انجمن صنفی کارگران به عنوان نهادی حمایتی به عمل نیاوردند. کارگران اخراج شده شرکت رادیاتور ایران با اشاره به اجرای نظام مشارکت در این شرکت خاطر نشان کردند: در حالیکه حقوق اولیه کارگران در این شرکت تأمین نمی‌شود، فردی به عنوان مشاور، شعار نظام مشارکت را سر داده و کارگران را به آرایش پیشنهاده و طرح مشکلات خود ترغیب می‌کند تا به این ترتیب، نظرها را از انتخابات انجمن صنفی و تشکیل آن دور نماید. این افراد در پایان، خواستار مناظره حضوری با نماینده بی‌طرف وزارت خانه‌های کار و امور اجتماعی و صنایع و معادن و قوه قضائیه به منظور آشکار شدن حقایق شدند.





### سیمین بهبهانی:

## کوچه! آه! بگو با من، شور نسل جوانت کو؟

از تاریخی که این شعر سروده شده، کوچه‌ها پر بود از همیشه بچه‌ها، فوتبال بازی کردن، توپ زدن، نوجوان‌های تازه بالغ با صداهای دو رگه، و بعد خاموشی بعد از ظهرهای تابستان. حالا همه رفته‌اند، یا توی زندان هستند یا در جبهه‌ها، این بچه‌ها.

### کوچه کوچه! آه! بگو با من شور نسل جوانت کو؟

ولن نگاه خریداری پشته سروروانت کو؟ کوئی و تنگی میدانت، های و هوئی چو لاندت تیر و تور و خط و مژگی، پسته ره به میانت کو؟ جنگ جنجره و آواز رنگ پشته لب و سیما با بلوغ بهار آسا، هیچ کار خزانست کو؟ در تو گزیده چو پا کویده، خوب خلق بر آشوبه در تموز رمیدن‌ها، سایه‌سار لمانت کو؟ هر پستین پی دیولری، «حجله» تازه و نو داری نقل و پور و نثار لاجز فشاندن چانت کو؟ نقش سینه دیولرت، یاوه‌های دل آزارت تا زمانه بشویدشان، لال مانده زبانت کو؟ سبزه روی سیه چشمی، لب نم گزد از خمی شوخی پسران چون شد؟ فرم دختر کانت کو؟ این شهید و مزارش گم، آن قیل و تبارش گم حال و روز خوشی بودت، این کجا شد و آنت کو؟ نام تازه ترا دیدم از شهیدی و پرسیدم: کز شهادت بسیارن بر کتیبه نشانت کو؟ رای پیرتبه کردت، تا دیار فنا بردت،

کوچه پیرشدی، مردی! قلب گم جوانت کو؟ خوب، جنگی تمام شد و یه شهرداری پیدا کردیم که خیلی خوش ذوق بود و کوچه‌ها را پرگل کرد و خیابان‌ها را پرچراغ کرد و سرسره برا بچه‌ها گذاشت و اینا عاقبت دست مزدشو دادن بهش (خنده‌ی حضار). خوب! من این شعر رو وقتی که دیدم کوچه‌ها تشنگ شده، دیدم دل من باز نمیشه! و واقعا نمی‌تونم چرا هنوزم باز نمی‌شه. یه مجسمه آهنی گذاشته بودن سر تپه‌های عباس آباد، نمیدونم یادتون میاد عباس آباد کجاست؟! حالا اون آهو سلام بر شما!

اشاره گروهی از ایرانیان اهل ادب و شعر دوست متقی اسلو در نروژ، در ماه مه ۱۹۹۸ مقدم دو تن از شاعران فرزانه و متعهد کشورمان محمد مختاری و سیمین بهبهانی را گرامی داشتند و در مراسمی گوش به شکر خانی و در سفتن آنان سپردند. آنان نمی‌دانستند که قریب به هفت ماه بعد، جنازه محمد مختاری در حاشیه ریل آهن نزد یک شهر یار یافته خواهد شد، با گلونی کیبود که آنقدر آن را فشرده بودند که ناخن‌هایش هم سیاه شده بود. مختاری اینک در میان سا نیست، اما یادش در ضمیر روشن همه دوستداران ادب و فرهنگ ایران جاودانه است. برای این شماره متن سخنان و اشعار غزل بانوی شعر معاصر ایران، خانم سیمین بهبهانی را برگزیده‌ام که در مراسم یادشده ایراد کرده‌اند. متن بیانات ایشان از روی نوار پیاده شده است. لازم به تذکر است، این مطلب را چندی پیش در نشریه اینترنتی «اخبار روز» به چاپ سپردم که هفته‌نامه «نیروز» چاپ لندن بدون اجازه به بازچاپ آن اقدام کرد!

از پذیرائی شما با چای مستحکم. این چای‌های کاغذی واسه رفع سلامتی خیلی خاصیت داره! (خنده‌ی حضار). شعری می‌خونم و از کوچه‌های سال شصت شروع می‌کنم. سال شصت بدترین سال‌های ما بود، سال خفقان، سال کشتار، سال تلاشی و در هم ریختن، سال گریختن‌ها از تندباد ستم و پنهان ماندن در مخفی‌گاه‌ها، و جنگ، و هجوم شهیدان، و اعداسی‌های زیاده در زندان. این بدترین سالی است که من به خاطر دارم از دوران بیست ساله. شعری که می‌خونم کوچه نام داره، پیش

همینطور افتاده پائین اون تپه‌ها و لاش مونده.

تندیس آهویت مبارک!

تندیس آهویت مبارک! ای شهر رنگ و روشنائی از من سلامی شاد بر تو، خوشتر زبوی آشنائی لبرلم گل‌هایت به چشمم، هر دم به رنگی جلوه دارد در مذهب این خودنمایان، زیننده باد آن خودنجانی تار تر فولرهایت، گرد چرفغان در تیندن سرخ و بنفش وارغوانی، تارنجی و سبز و طلائنی بر تابه‌ها بر سر سرک‌ها، اینان که من بودم روزی چون لنتاز شاد پرچم، تمثیلی از سر در هوایی بر لفتک لبریشی‌شان این کاکاز زینن درنه نور و نسیم آهسته باهم، سرگرم کار نقره‌سانی زان تیرهای خوشه بر سر، صفت بسته گرد آبدان‌ها چون دلنه لنگور روشن، شهر است غرق روشنائی در خاطر ای شهر اما، با هر چرفلی هست دلفی آن حجله‌ها را با شهیدان، از یاد من کی من زدانی؟ وقتی دوشب گردونه‌هایت خفتند و خاموشی گرفت، گونی ز لروح شهیدان، آید صدا در بن صدان، گویا که در سوگ عزیزان دلرت هر شب با درانسه، در گوشه ماتم سراها، غم خوانی و ماتم سزانی.

تندیس آهویت مبارک! سرو لب جویت مبارک! افزون مکن دلتنگی‌ام را، ای شهر با این دلگشائی! باز راجع به شهر هست! و باز یه قصه‌ای هم براتون بگم، یه کسی رفت مثل من شعر خوانی کنه، توی یه سالتی، بعد، دید نه اون نگهبان پا شد و در سالن رو بست و جمعیت هم، خوب کم بودن دیگه! بعد گفت درو نبند! درو باز بزار، بزا بیان مردم، نگهبان گفت نه درو باز بزارم که اینانی هم که هستن یکی یکی برگردن و برن! (خنده‌ی حضار). مثل این که دیدم دارن یکی یکی سالن رو ترک می‌کنن!! (خنده‌ی حضار) بله! من همون شهری رو که دیواراش پر از چیزهایی بود که گفته بودم: تا زمانه بشویدشان، لال مانده زبانت کو، پر از کوچه فرنگی و چیزهای دیگه بود، بعد همون شهر رو دیدیم که دارن می‌شورن دیوارها رو، همین چند سال پیش، با ورود شهردار تازه، شهر رو تمیز و پاکیزه می‌کنن

دوشنبه؟  
صفا!  
سه‌شنبه؟  
صفا!  
چهارشنبه؟  
صفا!  
پنجشنبه؟  
صفا!

بعد پرسید: جمعه دیگه چی؟  
گفت: جمعه دیگه «صفا علیشاه»!! (خنده حضار) بله اهل مملکت صفا و صفا علیشاه هستم! (خنده حضار).

دیار خیابان!  
ای شهر ز خط من شویند، دیوار خیابانت را تا یاد نخواند زین پس، لورق پریشانت را مغز در و دیولرت را، از حافظه عریان خواهند تا یاد نیارد دیگر، غم نامه حرمانت را دیروز چنان می‌دیدم، امروز چنین من بینم آن یاوه‌نویسانت را، این یاوه زدایانت را دیروز چه محنت بردی، خون خوردی و جان آزردی هر قهقه که رنگین خوردی، خون بود خورش ناننت را در خون هزاران کودکه، پرورده شد از نجانکی این شوره که می‌پوساند، دیولره زدنانت را پس دسته گل کز نکبهت، در گورن کنجیدند این اسه که پرگل کردند گنجایش میدانت را گر خون هزاران سروست، در پای هدر پاشیده‌ست خوش‌دستی سرو آریان، پرداخته تاوانت را ای شهر ز خط من شویند، وز هرچه غلط می‌شویند چون نقره جلا می‌بخشند، با هم و در یولنت را باور کنیم آیا، باور این طرفه که اکنون دیگر فرمانده ویزانی‌ها، دارد سر عمرانت را! (کف زدن حضار)  
با یه طنز چطورید؟! ما تو مملکتمون، خوب، سال‌هاست که، صف داشتیم و حالا البته کمتر شده و دیگه به اون شدت صف‌های طولیل برآ گرفتار از آفاق دیگه دیده نمی‌شه. چون می‌گن ارزاق دیگه وجود نداره! (خنده‌ی حضار). اگر باشه پولش نیست! خوب، اون وقت‌ها تا یه جایی شلوغ می‌شد، بخصوص خانوما، که می‌رفتن تو خیابون، می‌پرسیدن: این جا چی می‌دن؟! این جا چی می‌دن؟! خلاصه، هرچی بود و می‌ستاندن بلاخره! (خنده‌ی حضار). می‌گن که: به یکی گفتن: یعنی یکی آشنانش رو دید و پرسید: کجانی؟ نمی‌بینمت؟  
گفت: شبیه صف.  
گفت: یه شبیه چی؟  
گفت: صفا!

### «همایش سینمای ایران، موج نو، آموزش، نقد» و بزرگداشت بهرام بیضائی

همایش «سینمای ایران، موج نو، آموزش، نقد» از هفتم تا دهم مهرماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران برگزار شد. در این همایش که ویژه بزرگداشت بهرام بیضائی تدارک دیده شده بود، علاوه بر نمایش فیلم‌های وی از جمله «باشو غریبه کوچیک»، «شاید وقتی دیگر»، «رگبار»، «عمو سیپلو»، «سفر»، «کلاغ»، شخصیت‌های فرهنگی چون منوچهر اولیائی (استاد دانشگاه)، بابک احمدی، خسرو سینا، سهیلا نجم و محسن شمس به سخنرانی پرداختند.

### حضور «باران» در جشنواره بین‌المللی هامبورگ

آخرین ساخته «مجید مجیدی» کارگردان ایرانی، پس از درخشش و افتخار آفرینی در بیست و پنجمین جشنواره جهانی فیلم مونترال، اکنون قرار است در نهمین جشنواره فیلم هامبورگ از آن خود می‌کند باران در نخستین نمایش اروپائی در این رویداد سینمایی به نمایش می‌گذارد.

### تهمینه میلانی برنده جایزه بهترین کارگردانی جشنواره بین‌المللی لس آنجلس شد



مطالبی که در مصاحبه با روزنامه اظهار کرده بود، دستگیر شده و چند روز بعد آزاد گردید.

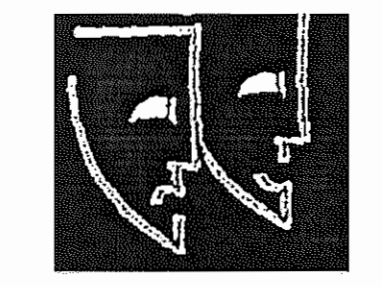
تهمینه میلانی کارگردان فیلم‌های «دو زن» و «نیمه پنهان» جایزه بهترین کارگردانی جشنواره بین‌المللی لس آنجلس را به خاطر کارگردانی فیلم «دو زن» دریافت کرد. از تهمینه میلانی و نیکی کریمی دعوت شده بود تا در این جشنواره حضور پیدا کنند که به خاطر مشکلات بوجود آمده برای میلانی، آنها نتوانستند در این جشنواره حضور یابند. گفتنی است جایزه بهترین کارگردان را لریج قاسمی بخش‌کننده این فیلم دریافت کرد. تهمینه میلانی چندی پیش به خاطر

### محسن مخملباف مدال «فلینی» را دریافت کرد



فیلم «سفر قندهار» به کارگردانی مخملباف مدال فلینی یونسکو را به خود اختصاص داد. «کوشیرو ماتسورا» دبیر کل سازمان یونسکو این مدال را طی مراسمی در محل یونسکو در پاریس قبل از نمایش این فیلم به محسن مخملباف اهدا خواهد کرد. به گزارش روابط عمومی سازمان یونسکو، مدال «فلینی» به دلیل توجه کارگردان ایرانی به نقش زن در افغانستان و همچنین تقدیر از فیلم‌های «سلام سینما»، «گبه» و «سکوت» به محسن مخملباف اهدا خواهد شد. مدال فرهنگی «فدریکو فلینی» یونسکو در سال ۱۹۹۵ به وسیله نقاش مشهور «والری آدامی» در تمجید و قدرانی از فلینی سینماگر مشهور ایتالیائی و صدمین سالگرد سینما خلق شده است. این جایزه برای نخستین بار در چهل و هشتمین فستیوال جشنواره فیلم کن به «پی‌یر ویوت» رئیس این جشنواره اهدا شد. «جروم کلمان» رئیس شبکه تلویزیونی مشترک فرانسه و آلمان مشهور به «آرته»، عباس کیارستمی و سمیرا مخملباف کارگردانان ایرانی، «وانسا رودگراوه» هنرپیشه انگلیسی و «جرارد دو پردیو» هنرپیشه مشهور فرانسوی از جمله افرادی هستند که تاکنون موفق به دریافت جایزه فدریکو فلینی شده‌اند.

### هشتمین فستیوال تئاتر ایرانی (کلن) «فستیوال جاده‌ی ابریشم»



اطلاعاتی در باره فستیوال هشتمین فستیوال تئاتر ایرانی (کلن)، اسامال با یک پیش درآمد ویژه روز چهارشنبه ۲۱ اکتبر ۲۰۰۱ در سالن نمایش «آلته‌فورواخه» آغاز و سپس از تاریخ ۱۶ نوامبر (جمعه) تا ۲۱ نوامبر (چهارشنبه) ۲۰۰۱، در تئاتر «باتورم» با شرکت ۱۶ گروه نمایشی، ادامه خواهد یافت. این گروه‌ها شامل سه گروه آسیائی (از آسیای میانه)، دو گروه ترکی، پنج گروه آلمانی و شش گروه ایرانی (از آلمان، فرانسه، هلند، انگلیس و آمریکا) خواهند بود. نمایشات اسامال در سه مقوله تقسیم شده‌اند که عبارتند از: «درام - تئاتر»، «رقص - تئاتر» و «عروسک - تئاتر»! همچنین، جهت گسترش و برد باز هم بیشتر فستیوال، پیشنهاد شده است که فستیوال اسامال زیر نظر یک شورای پنج نفره شامل دو آلمانی، دو ایرانی و یک ترک، و یک مدیر موقت (برای طول فستیوال) اداره شود. این ترکیب به ما اجازه خواهد داد، تا با کار گروهی گسترده‌تر،

باکمال تانسف خیر ناگوار درگذشت جواد مثنی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران بافنده سوزنی و انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تهران را دریافت داشتیم. ما بدین وسیله مراتب تسلیت و همدردی خود را از فقدان این عضو فعال و وفادار جنبش سندیکائی کشور به خانواده گرامی او و یاران و نزدیکان و هم‌چنین کارگران ایران ابراز می‌داریم، در نظر است به همین مناسبت مراسم بزرگداشت این رفیق گرامی در خارج از کشور منعقد گردد. به امید پایان رنج‌های بی‌شمار نیروی کار و زحمت. جمعی از فعالین جنبش سندیکائی کشور کمسیون کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و نشریه کار نیز درگذشت تائرانگیز مبارز پرشور و وفادار جنبش کارگری و سندیکائی ایران رفیق جواد مثنی را به خانواده، نزدیکان و کلیه مبارزین و فعالین جنبش کارگری و سندیکائی تسلیت می‌گوید.



## سایه مرگ

### در سرزمین توفان های شن

در سرزمین توفان های شن، دستارهای سپید و صورت های سوخته از هرم آفتاب وقتی بارانی نمی بارد و هیرمندی از جریان می افتد، مرگ بر همه چیز سایه می افکند. در سیستان و بلوچستان طبیعت مدتی است که به مردم روی خوش نشان نمی دهد. ظرف سه سال گذشته کشاورزی از میان رفته، دام ها تلف شده اند و اشراف افغان مانند میوه های آلوده روستاها را آماج غارت قرار می دهند. در این سرزمین مردم غمگین از وضع نابسامان اقتصادی و حمله اشرار، زمین های زراعیشان را رها می کنند و به استان های دیگر پناهنده می شوند. در حالی که افغان ها ۴۰ درصد مشاغل را در اختیار خود گرفته اند هزاران سال است که آفتاب در «سگستان» باستانی ایران با قدرت تمام می تابد. ولی نور زندگی در این سرزمین افسانه ای هر روز کم رنگ تر می شود.

تعدادی از مهاجران راهی تهران شده اند. یک بلوچ که زمانی مزرعه بزرگ زعفران داشته اینک با خانواده اش در تهران به عنوان سرایدار تنها با درآمد ۳۰ هزار تومان امرار معاش می کند. آنچه وی را به تهران کشاند،



خشکسالی و حمله مداوم اشراری است که علاوه بر غارت بویژه زنان و کودکان را به گروگان می گیرند. از آنجا که در منطقه سیستان و بلوچستان مراکز صنعتی زیادی وجود ندارد این قبیل مهاجران به ناچار راه مناطق دیگر را در پیش گرفته اند.

سال گذشته در چنین روزهایی تعدادی از مردم استان با لباس های محلی در مجلس حضور یافتند. آنها در گفتگو با نمایندگان از وضعیت امنیتی و اقتصادی منطقه شکوه داشتند و حداقل تامین آب شرب و نان معمولی خود را خواستار بودند تا به قاچاق نپردازند. قاچاق تنها تجارت و شغل و درآمدی منطقه است و اگر نه شن های روان که دایما دامنه محاصره خود را تنگ تر می کند بسیاری از روستاها و شهرهای متروک را در خود دفت کرده بود.

حل مشکلات امنیتی جز با مشارکت انبوهی از جمعیت بومی منطقه ممکن نیست ولی چنین انگیزه ای بتدریج رنگ می یازد. چون استان با این شرایط اقتصادی حتی قادر به نگهداری جمعیت کنونی نیست تا امنیت منطقه را با مبارزه با بیگانگان تامین کند. آقایی نماینده زابل می گوید: «وضعیت امنیتی استان بحرانی است. حتی اتفاقاتی نظیر سرقت های بانک و اتفاقات عجیب و غریب دیگری رخ می دهد. ما هشدار می دهیم سیستان و بلوچستان خیلی از دولت طلب دارد. مردم از خشکسالی رنج می برند، کشاورزی تنها محل درآمد مردم از بین رفته و قاچاق هم فراوان است. در حالی که جوان ندارد تعدیل نیروی انسانی صورت می گیرد. به هزار زحمت برای انجام یک پروژه خودروسازی مجوز گرفته ایم و معادن بهره برداری نشده بسیار داریم. اما با روندی کند یا نه. ما جواب شایسته ای به نیازهای مردم نمی دهیم و بعد در تهران می نشینیم و می گوئیم مرزداران غیور از مرزها حفاظت کنند!»

# شکاف بین مناطق مرکزی و مناطق محروم و مرزی

مداوم امکانات زیربنایی در یک قطب و اشباع امکانات در قطب دیگر (مناطق مرکزی). - سیل مهاجرت از مناطق مرزی و محروم بسوی مناطق مرکزی به دو شکل یکی در سطح نیروهای فکری و سرمایه های و دیگر به خاطر بیکاری، گریزه اول می خواهند از شرایط بهداشتی و آموزشی و سایر امکانات برتر مناطق مرکزی استفاده کنند و گروه دوم در پی کار می گردند. کارگرانی که در سر چهارراه ها می ایستند، اغلب متعلق به مناطق مرزی و محروم هستند.

افزایش تمرکز جمعیت در مناطق مرکزی و کاهش آن در مناطق محروم، بر اثر مهاجرت مناطق حاشیه ای از سکنه خالی و شهرها و حاشیه آنها در مناطق مرکزی متورم می شود. - رشد قاچاق، ناامنی و درگیری در مناطق محروم، مردم برای تامین معاش زندگی مجبور می شوند که به کار قاچاق روی بیاورند و زندگی شان را از این کانال تامین کنند. قاچاق در مناطق کم جمعیت تر و بکر تر که غیر قابل کنترلند، ابعاد بیشتری دارد.

بعلت نبود نیروی متخصص و بازار محلی و بخاطر ناامنی، صاحبان سرمایه رغبتی به سرمایه گذاری در مناطق حاشیه ای نشان نمی دهند و بالتبع دور تسلسل محرومیت ادامه می یابد.

در برخی از مناطق حاشیه ای بعلت کم توجهی مرکز و رشد بیکاری و فقر، تمایل در بین مردم به کشورهای همسایه که در آنها امکانات اشتغال و قاچاق کالا وجود دارد، روز به روز بیشتر می شود. این امر به اقتصاد و امنیت کشور ضربه می زند و گسست فرهنگی را تشدید می کند.

باتوجه به آنچه ذکر گردید، می توان گفت که شکاف بین مناطق مرکزی کشور با مناطق محروم و مرزی که بدرجاتی با مسائل ملی گره خورده است، در طی دهه اخیر حدت یافته است و هم اکنون بعنوان یکی از شکاف های فعال در جامعه ما عمل می کند که می تواند سر باز کند و بمشابه یکی از عوامل پیدایش انفجار اجتماعی موثر افتد.

بویژه در حاشیه جنوبی کشور شناسایی کرد. این خط محرومیت استان های سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، جنوب خراسان، ایلام، کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی را در بر می گیرد. حلقه های زنجیره ای استان های توسعه یافته را به ترتیب استان های تهران، قزوین، مرکزی و اصفهان تشکیل می دهند که استان های فارس، آذربایجان شرقی، شمال خراسان و خوزستان را بخاطر پتانسیل های ویژه خود منطقه در کنار دارند.

مناطق مرکزی پیشرفته تر وضعیت و امکانات بیشتر و بدنبال آن نیازهای زیادتری دارند. همین ملاکها در توزیع و تقسیم بودجه تعیین کننده شده و مقدار بیشتر بودجه در مناطق توسعه یافته متمرکز شده است. در پی آن در مناطق توسعه نیافته بخاطر همین توسعه نیافتگی، جمعیت افزایش نمی یابد و چنین احساس می شود که لازم نیست امکانات زیربنایی، آموزش و بهداشت در درمان در آنها ایجاد شود. فعالیت های خدماتی و تولیدی در آنها کمتر می شود و نیاز به تردد در آنها کاهش می یابد و در نتیجه فرودگاه، اسکله و بندر هم در آنها کمتر ساخته می شود.

صاحبان سرمایه هم رغبتی به سرمایه گذاری در مناطق محروم نشان نمی دهند. آنها می گویند کارگران این مناطق ابتدایی ترین فنون را نمی دانند و به صرف هم نیست که از مناطق دیگر کارگر استخدام کنند. در ضمن در این مناطق دستمزد کارگر از ناحیه مهارتش بسیار کمتر از سود ناشی از قاچاق است، در نتیجه صاحبان صنایع در حال فروش و فرار از استان هستند.

#### تعمیق شکاف بین مناطق مرکزی و مناطق محروم و مرزی

مناطق مرزی و محروم کشور درگیر مشکلات فراوان و پیچیده هستند. بر اثر این وضع پدیده هایی شکل گرفته است که قابل توجه و تأکید هستند:

- تعمیق شکاف بین مناطق مرکزی و مناطق مرزی و محروم کشور بجهت مختلف از جمله تشدید فقر، روند فزاینده محرومیت و کاهش

قم، قزوین و اردبیل افراد زیر پوشش کمیته امداد و بهزیستی دارد. به عبارتی این منطقه «اردوگاه فقر» است.

استان خوزستان در کنار سیستان و بلوچستان، ایلام و کرمانشاه بالاترین نرخ بیکاری را در کشور دارد. در استان کرمانشاه در سال ۷۸ حدود ۸۰ درصد مردم زیر خط فقر قرار داشتند. براساس تقسیم بندی پنج درجه ای توسعه که از بسیار توسعه یافته تا بسیار توسعه نیافته است، استان کرمانشاه در بین استان های بسیار توسعه نیافته قرار دارد. نماینده کرمانشاه هشدار می دهد کم توجهی به مناطق مرزی، گرایی مردم منطقه را نه به مرکز، بلکه به کشورهای همجوار هدایت می کند. وی می گوید: «کشور ما از نظر قومیت و فرهنگها به گونه ای تقسیم شده که نیمی ساکن مرکز و بقیه از نظرها با همسایه ها مشترکند. مشکلات این مناطق و رفاه کشورهای حاشیه، زمینه تأثیر و نفوذ فرهنگ بیگانه را بوجود می آورد».

با وجود این مسائل، جهت گیری اعتبارات تخصیص یافته در سال ۸۰ که قرار بود به سمت حمایت از مناطق محروم سوق یابد، تغییر جهت پیدا کرد بگونه ای که اعتبارات استان های ثروتمند مرکزی ۱۳۲ درصد، اصفهان ۹۱ درصد و مازندران ۸۳ درصد یعنی بالاتر از متوسط رشد افزایش یافت ولی نهایتا اعتبارات سیستان و بلوچستان از ۷۴ درصد به ۵۶ درصد کاهش یافت.

در منطقه سیستان و بلوچستان اوضاع نسبت به سایر مناطق مرزی بغرنج تر است. آقایی نماینده زابل می گوید: «ما نیروهای بسیار فکور داریم که اینک انگ ناکار آئی خورده اند و در نتیجه کارگران از جانی دیگر می آیند، در حالی که حل مشکلات ما در گروهی بکارگیری افراد بومی است».

#### شناسایی مناطق توسعه یافته و محروم

تفاوت بین امکانات مالی و رفاهی مناطق مختلف اینک یک مرز برجسته و کاملاً قابل شناسایی بین مناطق توسعه یافته و محروم و توسعه نیافته ایجاد کرده است.

می توان مناطق محروم و توسعه نیافته را

## نگاهی به شکل گیری یک طبقه اجتماعی نوکیسه های سیاسی

گناهکاری که شب جنگام ناگهان هراسان از خواب می چهد، لابد خواب پاسبان دیده است! این شبها نیز ظاهراً خواب برخی آشفته حالان سیاسی را کابوس هایی پیر کرده است. از خواب می چهند و وقتی خود را خارج از دنیای خواب می بینند، نفس راحت می کشند و صبح نشده فریاد سر می دهند: «آی دزد... بگیرید که در رفت» و خود می دانند که فعلاً هیچ کس در نمی رود. چون از خلی وقتها پیش دندان های تیز قانون را کشیده و به جایش چوب پنبه کاشته اند. نه فقط در کشور ما که به نگاه فرامی بینمی می توان پی برد معمولاً لکه های سیاه بر دامن سیاست بیشتر از حوزه های دیگر به چشم می آید و این به دلیل سیطره سیاست بر دیگر حوزه ها است. در مملکت ما به این خاطر آشکارتر و بی پرواتر است که چون زایمان دشوار تغییر تاریخی نظام ذهنی حکومت مردم در جریان است.

ذهنی آکنده از استبدادهای متنوع و مستمر که به قدرت سیاسی اجازه می دهد هر چیزی را از منظر ملوک الطوائفی بنگردد و متأسفانه دستبرد بی دریغ از کیسه ملت - بیت المال - درشت ترین لکه ننگی است که دامان سیاست و سیاستمدار را آلوده می کند، البته اندک سالهایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی زمره می شد، اما این روزها به خاطر نزاع رقبای عصبی که تزلزل قدرتشان سبب برتری احساساتشان در گفتار و رفتارشان شده، این آلودگی از سایه دیوارهای سنگی سیاست درآمد و اندک اندک صفحه های بیشتری از مطبوعات را به خود اختصاص می دهد و این نیز به خاطر ماهیت توسعه سیاسی و دگر دیمی تغییرات اجتنابناپذیر که نوعی خودبراندگی خنگی ذهنی را در جامعه گسترش داده، حتماً گسترده تر و بازتاب های بیشتری را همراه خواهد داشت. اگر خداوند یاری نکند و همین گونه پیش برود و رقبای بی تحمل افشارگری های خود را - حتی به صورت تهدید ادامه دهند، ظاهراً میزان آلودگی های مالی بسیار فراتر از زمره هائی است که در میان مردم جریان دارد و این آلودگی نیز مختص جناح و گروه خاصی نیست. به صورت آفت در نقاط مختلف پیکر لایه های فوقانی سرایت کرده است. هر چه باشد و هر چه پیش آید، این افشارگری ها با تمام تاسفها و حسرتها به

## سهیم اقتصاد غیر رسمی به ۲۲ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یافته است.

است. وی افزود: مبارزه با قاچاق رانه از مرزها بلکه باید از «سر میز سیاستگذاری بازگانی» شروع کرد، چراکه قاچاق زاینده محدودیت های تجاری بوده است. زمانی که آمدیم و سیاست های بازگانی کشور را به عهده وزارخانه های متولی تولید وگذار کردیم و سیاست مبتنی بر صدور مجوز واردات را بیکسر شدیم باید انتظار رشد قاچاق کالا را می داشتیم.

محمدرضا رفعتی کارشناس اقتصادی نیز در این همایش با ارائه مقاله ای پیرامون برآورد میزان حمایت های گمرکی برای جلوگیری از قاچاق کالا گفت: برآوردها نشان می دهد که تنها ۵ درصد کالاهای قاچاق توسط نیروی انتظامی کشف می شود و به همین دلیل پیائین بودن ریسک، سودآوری قاچاق کالا بالاتر است حال آن که اگر ضرب کشف به ۲۰ درصد افزایش یابد قاچاق در اکثر موارد بدون صرفه می شود. اگر بخواهیم تعرفه های ما با قاچاق مبارزه کند باید حداکثر نرخ تعرفه ۲۱ درصد باشد.

ابراهیم کرچی، دبیر همایش نیز گفت: برآورد، نشان می دهد که حجم فعالیت های اقتصادی غیررسمی از ۸ درصد تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۴۷ به ۲۲ درصد در سال ۱۳۷۷ رسیده و ناکارآمدی اقتصاد رسمی، گسترش محدودیت ها و موانع و وجود مراکز متعدد تصمیم گیری باعث نهادینه شدن قاچاق کالا در کشور شده است.

توسعه فعالیت های قاچاق کالا باعث می شود که صحت آمارهای اقتصادی یک کشور مورد تردید واقع شود و به تبع آن برنامه ریزی اقتصادی دولت با هدف بیهوده سازی تولید، توزیع و مصرف شکست بخورد. محمد شریعتمداری وزیر بازرگانی در آغاز به کار همایش یکروزه راه کارهای اقتصادی مبارزه با قاچاق کالا با اعلام این مطلب گفت: قاچاق کالا پدیده ای پیچیده و چندریشه ای است که آثار آن نه فقط در بعد اقتصادی بلکه در بخش های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مخرب است.

قاچاق کالا از مظاهر اقتصادی زیرزمینی و اقتصاد سیاه است که پول کلان ناشی از آن در فرایند ششوشوی پول در سیستم های پولی و بانکی جهان صورت می گیرد و در این صورت وسعت تخریب آن افزایش می یابد. شریعتمداری گفت: همجواری ایران با کشورهای بی ثبات، موقعیت ترانزیتی خاص، عدم تعادل در عدم تعادل در عرضه و تقاضا برای برخی کالاها، وجود بیکاری در مناطق مرز نشین، پائین بودن هزینه ریسک قاچاق نسبت به واردات قانونی، تعدد و پراکندگی قوانین، تمایل به فرار مالیاتی، فساد نظام اداری و پائین بودن کیفیت کالاهای داخلی عددترین دلایل رشد قاچاق در ایران است.

به گفته محمد نهارندان معاون وزیر بازرگانی، ضربه قاچاق تنها در بعد اقتصادی نیست بلکه بدترین پیامد آن «کاهش قبح تخلف در جامعه»

اندوهناک ترین اثر که محنت و مصیبت گزارف زایمان تغییر نظام ذهنی حکومت و مردم را فرودستان - مردم - بسیار بیشتر از فرادستان - دولتمردان متصل می شوند. اما آن چیزی که سبب شکسته شدن کاسه بردباری آن ها می شود، نوع واکنش هائی است که رقبای خصمگین سیاسی بدون هیچ گونه پرده پوشی بیان می کنند. یعنی آفتشای فسادهای مالی فرد یا گروه رقیب در صورتی که بیان می کنند. یعنی آفتشای فسادهای مالی فرد یا گروه رقیب در صورتی که امتیاز ندهد. هیچ چیز ساده لوحانه تر از این نیست که پشت بلندگو و در انظار داد بونی: «اگر تو چیزی از من رو کنی، منم از تو رو می کنم!» و این بی تردید بزرگترین عذابی

است که یک ملت می تواند شاهد باشد. یعنی وجود مدیرانی که بر صندلی های بسیار بزرگتر از گنجایش و ظرفیت خود تکیه زده اند. البته ممکن است این نوع برخوردها میان صاحب منصبان، زخم عمیق در سینه جامعه ایجاد کند و رنجی بر رنج های بزرگ آن ها بیفزاید، اما امید به توسعه سیاسی را افزایش می دهد تا مطبوعات بتوانند بدون هراس از استبداد سیاسی - اقتصادی آلودگی ها را عیان نمایند. روزنامه نگاران سالم و نه روزنامه داران! - باکشاندن این نزاع های خصوصی، رده آوردهای شرافتمندانه توسعه سیاسی را مستمر کرده و سبب پلایش در لایه های فوقانی خواهند شد.

اسدالله شایخی

## اعتراض شدید نمایندگان استان کرمانشاه به وزارت کشور به خاطر انتصاب استاندار غیربومی

است: نظر به این امارات و شواهدی دیده می‌شود که عده‌ای عالم و عامدا، چون همیشه قصد تحریک احساسات پاک و بی‌آلایش مردم را در استان دارند، تا باز هم بتوانند، چون گذشته، فراتر از قانون به مردم مومن استان حاکمیت کرده، امر و نهی کنند.

در این بیانیه خطاب به مردم آمده است: تقاضا داریم به حساسیتها و نقشه‌ها و ترفندهای این عناصر شناخته‌شده، توجه و عنایت کافی داشته و صبر و منانت و منش خود را حفظ کرده، اجازه دهید که وکلای شما از مجاری قانونی پیگیر موضوع باشند. بدیهی است همواره حق اعتراض دسته‌جمعی قانونی را با مشارکت عموم مردم برای خود شما مردم شریف محفوظ می‌داریم.

در پایان این بیانیه آمده است: امید است وزارت کشور، مترجه عمل ناپسند خود شده و فوراً در صدد جبران اشتباه و اصلاح عملکرد خود برآید. تا موجب تشنج و درگیری در سطح استان رنج‌کشیده کردستان نشود.

شرایطی است، که وزارت کشور در خصوص استانهای دیگر چنین کرده و اخبار جلسات مشترک با نمایندگان تهران در جرایم نیز انعکاس یافته است. اینک دولت اصلاحات و وزارت کشور، که مدعی مردم‌سالاری است، بدون کمترین توجه به مکاتبات و خواستهای نمایندگان شما، که تجلی خواست و اراده مردم می‌باشد، خود بدون برگزاری حتی یک جلسه معارفه تشریفاتی، اقدام به انتصاب استاندار برای کردستان کرده است.

این بیانیه می‌افزاید: ما انجام این عمل را بی‌توجهی به خواست مردم کردستان تلقی و از تمام اهرمهای قانونی، در جهت دفاع از شخصیت والا و حقوق قانونی مردم عبور و شریف کرد، استفاده کرده، وزارت کشور و کم‌توجهان به اراده مردم را متوجه عراقب اینگونه تصمیمات خواهیم کرد. دولت یا باید رسماً شعاع مردم‌سالاری و قانون‌گرایی و شایسته‌سالاری را پس بگیرد، و یا پاسخگویی مطالبات مردمی باشد، که از طریق وکلای خود، خواسته‌ها را مطرح کنند. در این بیانیه آمده

مجمع نمایندگان استان کردستان با انتصاب بیابندهای انتصاب استاندار جدید کردستان را از سوی وزارت کشور، اشتهاء خواند.

به گزارش ایسا در این بیانیه تصریح شده است: مردم شریف استان کردستان! ما، به عنوان خادمان شما، در خانه ملت، در چارچوب قانون اساسی و قوانین مصوب، مطالبات برحق و قانونی مردم مومن و شریف استان را، در راستای ایفای وظایف نمایندگی خود، مطرح کرده‌ایم و پیگیر بوده‌ایم. از مطالبات دیرین مردم کردستان، حقوق برابر و اجرای کامل اصل ۹۱ قانون اساسی و استفاده از نیروهای کرد اهل سنت، در مصداقهای کلان و میانه‌گشور بوده و هست. متأسفانه در زمان شعار شایسته‌سالاری و قانون‌مداری و ایران برای همه ایرانیان و مردم‌سالاری، نه تنها به شایسته‌گازان کرد اهل سنت هیچ توجهی نشد، بلکه درخواستهای مردم نیز نادیده گرفته شد. برخلاف دوران قبل از دوره به اصطلاح اصلاحات و جامعه مدنی، حتی در انتصاب استاندار کوچکترین رایزنی و همکاری با نمایندگان شما انجام نشد. این در

## استعفای دسته جمعی نمایندگان استان کردستان

در اعتراض به عدم توجه دولت به مطالبات مردم کردستان نمایندگان استان کردستان در مجلس شورا دسته‌جمعی در نامه‌ای خطاب به هیات رئیسه مجلس از نمایندگی مردم استعفا دادند.

در این نامه آمده است که: برابر با ماده ۹۲ آیین‌نامه مجلس شورا و به دلیل عدم توجه دولت خاتمی بویژه وزارت کشور به مطالبات حقه و قانونی مردم کردستان، عدم اجرای اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی و قائل‌نشدن حق برابر برای کردهای اهل تسنن، بی‌توجهی رئیس جمهوری در اجرای اصل ۱۲۱ قانون اساسی که برگسترش عدالت و حمایت از حقوق ملت است و عدم تمایل دولت به حل مشکلات به حق مردم کرد از نمایندگی مردم استعفا می‌دهیم.

این نامه به امضای به‌الدین ادب، جلال جلالی‌زاده، سیدمسعود حسینی، محمد محمدرضائی، عبدالله سهرابی و صلاح‌الدین علانی نمایندگان سنج، قروه، مریوان، سقز و بانه رسیده است.

به دنبال انتشار نامه، به‌الدین ادب اظهار داشت: مجمع نمایندگان استان کردستان در جلسه بعدازظهر پنجشنبه خود نظر به بی‌توجهی دولت به نظراتشان در مورد انتصاب استاندار کردستان متفقاً اقدام به استعفا از نمایندگی مجلس کردند. وی خاطر نشان کرد که هیئت رئیسه باید این استعفانامه را در دستور کار خود قرار داده و رسیدگی کند.

محمدرضائی خاتمی نایب رئیس مجلس شورا استعفای شش نماینده استان کردستان را غیرقابل قبول خواند. وی گفت: طبق آیین‌نامه داخلی مجلس، استعفای نمایندگان باید به صورت تک‌تک و انفرادی باشد.

## دومین سمینار اورتوگرافی زبان ترکی در تهران برگزار شد

حمازی و دکتر حسین فیض‌اللهی برگزار کردند و آقایان دکتر جمال ایرملو، حسن مجیدزاده، صدابردار و طیفه و میرهدایت حصاری مقالات خود را در زمینه توسعه و ترقی پسوندها در تاریخ الفبا خواندند.

در بخش دوم آقایان کاویانی، حسین طهماسب‌پور، اسماعیل هادی و مهندس علی محمدزاده مقالات خود را در زمینه موضوع سمینار خواندند.

در پایان نیز از طرف حضار سئوالاتی در باره مقالات ارائه شده مطرح گردید که توضیحات لازم داده شد.

آذربایجانی برگزار شد مقالات متعددی در مورد روش‌های وصول به چهارچوب معین در طرز نگارش آن و نگارش به طرز صحیح و علمی ارائه شد.

در این سمینار علمی آقایان دکتر جواد هیئت رئیس سمینار و مهندس ایراهیم رفوف دبیر سمینار در مورد چگونگی برگزاری سمینار و انتظار رعایت و به‌کارگیری چهارچوب‌های قبول‌شده در این سمینار را از طرف نویسندگان و روزنامه‌نگاران را خواستار شدند.

سمینار روز پنجشنبه در قسمت اول به ریاست آقایان بهزاد بهزادی، عزیز محسنی و کریم مشروطه‌چی و در قسمت دوم به ریاست آقایان حسن راشدی، میرهدایت

دومین سمینار اورتوگرافی زبان ترکی روزهای چهارم و پانزدهم شهریورماه جاری در محل فرهنگسرای اندیشه تهران با هدف رسیدن به یک چهارچوب معین در نگارش علمی و صحیح زبان ترکی با حضور صاحب‌نظران و هیئت علمی برگزار شد.

این سمینار در مورد چگونگی نگارش حروف صدادار در ترکی آذربایجانی پسوندها، کلمات مهمان و دیگر مباحث علمی زبان ترکی بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

در این گردهمایی علمی که با حضور اساتید دانشگاه‌ها، زبان‌شناسان و صاحب‌نظران زبان و ادبیات ترکی

## سه سال فقط دنبال تصویب فیلمنامه بودم!

این فرهنگ در شعر و موسیقی بسیار باانده بوده است شما این وضعیت را ناشی از چه عواملی می‌دانید!

به نظر من کم‌کاری و کم‌توجه کردن دوستان و همکاران فیلم‌ساز عامل اول است محدودیت‌ها و باز محدودیت‌های عملکردی، که باز مشکل به ریشه برمی‌گردد عدم اجرای کامل اصول قانون اساسی در مورد حقوق اقوام نژادی دیگر از عوامل فوق می‌باشد. هم‌چنان که فرمودید ادبیات شعر و موسیقی آذربایجانی خیلی غسینی تر از بسیاری از ملل و فرهنگ‌های جهان می‌باشد با تعصب برخورد نمی‌کنم ما فرهنگ چندین هزار ساله داریم. بسیار غنی و معدن‌وار. ولی جای تأسف است که امروز در چنین وضعیتی هستیم.

اشاره: برای اولین بار فیلمی به زبان ترکی ایران در دست تهیه است. اکبر سلیمانی کارگردان جوان سینمای کشور به تازه گی تهیه فیلم «توتوقون بویالار» را آغاز کرده است. نشریه نوید آذربایجان با کارگردان این فیلم به گفتگو نشسته است که در زیر ملاحظه می‌کنید.

شما در دپالوکها و شعر و موسیقی فیلم به ادبیات و موسیقی کدام منطقه آذربایجان بیشتر اهمیت داده‌اید!

همان‌طوری که عرض کردم از لجه و گویش خاصی استفاده نشده است. از ترکی ادبی استفاده کردیم که مال همه باشد. بازیگر نقش اول این فیلم از جمهوری آذربایجان و حتی موسیقی فیلم نیز توسط آهنگسازان آذربایجانی ساخته خواهد شد.

به عنوان یک فیلم‌ساز جوان ابتدا توضیحاتی در باره فیلم در دست ساختمان دوتوقون بویالار به دهید!

این فیلم به زبان ادبی ترکی آذربایجان ساخته شده و در حقیقت اولین بار است که در ایران چنین فیلمی ساخته می‌شود. «توتوقون بویالار» فیلم بلند داستانی است که بازیگر نقش اول آن خانم «گونای رحیمووا» از جمهوری آذربایجان دعوت به کار شده و نقش مقابل را شاعر خوش قریحه و دگراندیش و دوست ارجمند آقای حسین رزمی ایفا می‌کند در کل کار حرفه‌ای بلندی بود که دوستان سینمایی بسیاری از آن جمله ذبیح‌الله صدی، احمد عسگری، حسین کریمی، رحیم مهدی‌خانی و دیگر دوستان بنده را در ساخت این فیلم یاری دادند.

فیلم‌نامه فیلم آن را که متعلق به خوندان است بر اساس چه مضامینی طراحی و تدوین کرده‌اند!

فیلم‌نامه ساخته ذهن خود بنده است و از هیچ اثری الهام گرفته نشده اما در طول سیر داستان از شعرهای بزرگ ترک استفاده شده و به سبک لیبریک و رومانیتیک تهیه گردیده است.

لوکشین‌های انتخابی شما در کجا بوده و بر اساس چه نیازهایی آنجا را انتخاب کرده‌اید!

کل لوکشین‌های فیلم در منطقه کلیبر اطراف قلعه بابک و نزدیک رود ارس بود و به لحاظ موقعیت عالی و زیبای منطقه، لوکشین‌ها انتخاب شدند.

آیا نمونه‌های مشابه کار شما در ایران وجود دارد!

همان‌طور که عرض کردم این اولین باری است که فیلمی به زبان ادبی ترکی در ایران ساخته می‌شود البته به زبان‌های دیگر از جمله کردی و لری کارهای فرهنگی تاکنون انجام شده است. مثلاً فیلم «سارای» داستانی برگرفته از آذربایجان بود ولی متأسفانه فیلم پس از ساخت به زبان ترکی دوبله شده بود در حالی که در «توتوقون بویالار» بازیگران به زبان مادری خود صحبت می‌کنند.

کمی هم از امکانات و محدودیت‌های موجود بگوئید.

ببینید این مشکلات ریشه‌ای است در همین لحظه و یا چند سال آینده حل‌شدنی نخواهد بود.

من سه سال فقط دنبال تصویب فیلم‌نامه بودم. آخر سر هم با مشکلاتی روبرو شدم که نمی‌خواهم آن را ذکر کنم. یک سری سیاست و خط مشی خاص، افراد خاص را به دنبال خود می‌کشد. من بدون تعارف بگویم هیچ حمایتی ندیدم. من و امثال من با فلسفه وجودی هنر کار می‌کنیم و معتقدیم که «باید» را از پشت سر هنرمند بردارند. هنر در قالب نمی‌گنجد انشاءالله به ۱۰۰ سال آینده می‌توان امیدوار بود.

سیاست‌های فرهنگی وزارت ارشاد و حمایت‌های این وزارتخانه و هنرمندان جوان را که آینده را خواهند ساخت نسبت به کار خود امیدوارتر کنید!

من سه سال فقط دنبال تصویب فیلم‌نامه بودم. آخر سر هم با مشکلاتی روبرو شدم که نمی‌خواهم آن را ذکر کنم. یک سری سیاست و خط مشی خاص، افراد خاص را به دنبال خود می‌کشد. من بدون تعارف بگویم هیچ حمایتی ندیدم. من و امثال من با فلسفه وجودی هنر کار می‌کنیم و معتقدیم که «باید» را از پشت سر هنرمند بردارند. هنر در قالب نمی‌گنجد انشاءالله به ۱۰۰ سال آینده می‌توان امیدوار بود.

کمی هم از امکانات و محدودیت‌های موجود بگوئید.

ببینید این مشکلات ریشه‌ای است در همین لحظه و یا چند سال آینده حل‌شدنی نخواهد بود.

به نظر من در ایران فیلم‌سازی جان‌سگ می‌خواهد. هفت تا جان که بنده به شخصه حاضریم برای ساختن یک فیلم بدیم. هنر محدودیت نمی‌شناسد هنر اصول و قاعده نمی‌شناسد و هنر قانون نمی‌شناسد. مشکل بنیادی است. هنر چارچوب و چوب بالای سر نمی‌شناسد و نمی‌خواهد.

فرهنگ ترکی آذربایجانی تاکنون حوزه سینما چندان که بایسته آن باشد به تصویر کشیده نشده است. در حالی که

## بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر:

### اعتراض به برخوردهای قوه قضائیه با دانشجویان

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیرالدین طوسی با انتشار بیانیه‌ای به مناسبت آغاز تحصیلی نسبت به نحوه برخورد قوه قضائیه با برخی دانشجویان اعتراض کرد.

به گزارش ایسا در بخشی از این بیانیه آمده است: بازگشایی دانشگاه‌ها همیشه خون تازه‌ای در پیکر جامعه جاری می‌سازد و فضای فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی را چهره‌ای تازه می‌بخشد این آغاز همواره یادآور خاطرات تلخ و شیرین فراوانی از حضور دانشجویان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است و حامل رازهای ناگفته‌ای که سر آن را هم دانشجویان فعال در این میدان می‌دانند و هم آنان که آرمان‌خواهی و عدالت‌طلبی دانشجویان برهنه‌زننده، آرامش کاذب آنهاست.

در ادامه این بیانیه آمده است: برخورد با جریانات مستقل دانشجویی و انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیر سرانجام با درج مقاله‌ای در نشریه دانشجویی فریاد توسط یکی از اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی در تابستان گذشته و در عدم حضور دانشجویان جامعه‌ای عمل به خود پوشید. در همین راستا ظاهراً وزارت اطلاعات به عنوان شاکی پرونده، به منظور جلوگیری از تکرار حوادثی نظیر نشریه موج و با همکاری دادگاه انقلاب برخورد با دست‌اندرکاران آن نشریه و سپس انجمن اسلامی را نصب‌العین خود قرار داد. احضار و بازداشت تمام با وضعیت انفرادی مدیر مسئول و دو تن از نویسندگان آن و نهایتاً صدور قرار وثیقه تا سقف ۷۰ میلیون برای هر کدام پس از حدود ۵۰ روز بازداشت، تہدیدات متعدد اعضای انجمن، احضار معاونت محترم دانشجویی و فرهنگی دانشگاه، دو تن از اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی و در نهایت بازداشت بیش از ۶۵ روزه علی‌رحمتی نژاد مسئول کمیسیون سیاسی انجمن

جام جهانی و آمدن تیم‌های کشورهای عربی به تهران جهت انجام بازی، برخی از گزارشگران فوتبال، به جای نام بردن از این ملیت این تیم‌ها لفظ عرب‌ها را به کار بردند (از جمله بازی ایران با عربستان سعودی - لفظ «عرب‌ها» به کار گرفته شده‌بود)، که باعث جریحه‌دارشدن احساسات مردم عرب‌زبان خطه خوزستان شده بود که آن‌را توهین به خود تلقی کردند.

آن‌ها در طی نامه‌ای به سازمان صدا و سیما خاطر نشان ساختند که با توجه به اینکه فلسفه مسابقات ورزشی - نزدیکی ملت‌ها و اقوام است بکاربردن الفاظی این چنین توهین به این ملیت‌ها است و باعث رنجش آنان می‌گردد، و خواستار آن شدند که ضمن گوشزدکردن این مسئله به گزارشگران، از جریحه‌دارکردن احساسات مردم عرب ایران پرهیز نمایند.

در نامه آمده است: نظر به اینکه مردم عرب ایران همگام با تمام مردم این کشور عزیز از پیروزی تیم ملی فوتبال و دیگر تیم‌های ملی بر تیم‌های ملی هر کشوری سرور می‌شوند، آیا استفاده از الفاظی که بار توهین به قومی که روابط خوبی با جمهوری اسلامی ایران دارند از رسانه ملی صحیح است؟

چرا باید از لفظ عرب‌ها که کلمه‌ای عام و شامل مردم عرب جهان می‌شود استفاده کرد؟ مگر نمی‌شود موقعی که با عربستان سعودی بازی داشته باشیم بگوئیم سعودیها یا اگر با قطر، بگوئیم قطریها و ...

## نامه اعتراض آمیز جمعی از مردم عرب خوزستان

در پی پخش مسابقات فوتبال مقدماتی جام جهانی و آمدن تیم‌های کشورهای عربی به تهران جهت انجام بازی، برخی از گزارشگران فوتبال، به جای نام بردن از این ملیت این تیم‌ها لفظ عرب‌ها را به کار بردند (از جمله بازی ایران با عربستان سعودی - لفظ «عرب‌ها» به کار گرفته شده‌بود)، که باعث جریحه‌دارشدن احساسات مردم عرب‌زبان خطه خوزستان شده بود که آن‌را توهین به خود تلقی کردند.

آن‌ها در طی نامه‌ای به سازمان صدا و سیما خاطر نشان ساختند که با توجه به اینکه فلسفه مسابقات ورزشی - نزدیکی ملت‌ها و اقوام است بکاربردن الفاظی این چنین توهین به این ملیت‌ها است و باعث رنجش آنان می‌گردد، و خواستار آن شدند که ضمن گوشزدکردن این مسئله به گزارشگران، از جریحه‌دارکردن احساسات مردم عرب ایران پرهیز نمایند.

در نامه آمده است: نظر به اینکه مردم عرب ایران همگام با تمام مردم این کشور عزیز از پیروزی تیم ملی فوتبال و دیگر تیم‌های ملی بر تیم‌های ملی هر کشوری سرور می‌شوند، آیا استفاده از الفاظی که بار توهین به قومی که روابط خوبی با جمهوری اسلامی ایران دارند از رسانه ملی صحیح است؟

چرا باید از لفظ عرب‌ها که کلمه‌ای عام و شامل مردم عرب جهان می‌شود استفاده کرد؟ مگر نمی‌شود موقعی که با عربستان سعودی بازی داشته باشیم بگوئیم سعودیها یا اگر با قطر، بگوئیم قطریها و ...

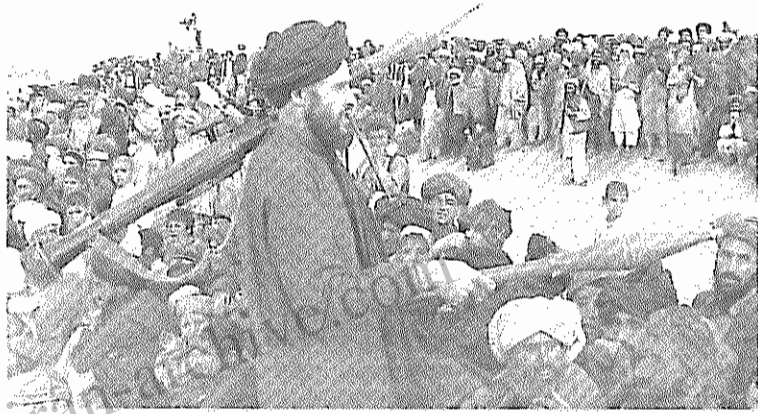
# افغانستان پس از طالبان

### بهبود گرمی

با تحقق این نقشه، همگان درخواهند یافت که آمریکا نه تنها قادر به مداخله غیر مستقیم از طریق دیپلماتیک، حمایت مالی و پشتیبانی نظامی و لجستیک در امور کشورهاست و نه فقط می تواند به حضور محدود نظامی در این یا آن نقطه جهان دست بزند، بلکه توانا به تغییر قدرت سیاسی در یک کشور به شیوه علنی و «قانونی» و البته به اتکال زور نظامی، سیاسی و مالی است!

چنین است معنی سخنانی از این دست که اینروزها از دولت مردان طراز بالای آمریکائی می شنوم: «موضوع، فراتر از اسامه بن لادن است»، «اتمام حجت با طالبان افغانستان، شروع جنگ علیه تروریسم است» و «ما با جنگ درازمدت روبرو هستیم».

**آینده افغانستان**  
حمله آمریکا به افغانستان قطعی است. تدارکات نظامی به عمل آمده و راههای تدارکاتی هموار شده است و هدف، ساقط کردن حکومت طالبان در افغانستان است. حکومتی که



حمله و تعرض متقابل می گذرد. آنها تصمیم گرفته اند تا از فرصت بدست آمده، برای تعرض بیشتر بهره برداری کنند. از نظر آنان، پاسخ در خور همانا آن خواهد بود که سطح ایران از اراده آمریکا را تا آنجا بالا ببرد که در یک کشور، حکومت برچینند و حکومت بشناسند! وضع پیش آمده بهترین فرصت را فراهم آورده است تا با حمله به ضعیف ترین حلقه، و برخورداری از حداکثر نیروی همراه و حامی و بیطرف در سطح جهان، ریاست خود بر جهان را تحکیم سازند.

هرگاه این نقشه به اجرا در آید، از نظر سیاستگذاران آمریکائی، روانشناسی پدید آمده پس از فوج نیویورک و واشنگتن نه تنها در افکار عمومی کشورهای جهان سوم، که در غرب و خود آمریکا نیز تغییر خواهد کرد و دیگر بار، در اذهان عمومی، «نظم نوین جهانی» انتظام خود را باز خواهد یافت و موقعیت حافظ و پاسدار این «نظم نوین»، بازسازی و حتی تقویت خواهد شد. از نظر سیاستمداران آمریکا،

درست پنج سال پیش بود که «طالبان» با بیرون کشیدن دکتر نجیب از مقر سازمان ملل در شهر کابل و شکنجه دهشتناک و آنگاه قتل فجیع وی، فتح خود را تکبیر گفتند و بساط چنان ارتجاع عفتی را بر بام افغانستان پهن کردند که حتی حکومت اسلامی ایران نیز از آن ابراز برائت کرد. در آن زمان، صدائی از واشنگتن برخاست، هیچ دولتمرد آمریکائی زبان به اعتراض نگشود که به چه معجزوی، یک رهبر سیاسی امان یافته و پناه داده شده در مقر سازمان ملل متحد - این خانه امن ملتها و این نهاد قانونی و رسمی بین المللی - انسان شنیع به اسارت کشیده می شود و بی هیچ محاکمه ای به قتل می رسد. غرب و بویژه آمریکا، در وجود نجیب، در وجود حزبی که او به آن تعلق داشت و در آن گرایش اجتماعی - سیاسی که نجیب، وارث و در سالهای آخر شاخص ترین نماینده آن بود، تنها خصومت پشیمان را می دیدند و هم از اینرو، قتل او را با سکوت رضایتبخش که در واقع جز قهقهه سرمستی انتقام نبود، به نظاره نشستند. «طالبان» به فرجام رساننده پروژهای بودند که غربی ها در بستر جنگ سرد علیه اتحاد شوروی و چپ افغانستان پی ریختند، در طول ۱۵ سال آنرا پی گرفتند و بالاخره هم حکومت اسلامی دست پرورده پاکستان - عربستان را پی آوردند. ظاهراً همه چیز بر وفق مراد آمریکا بود افغانستان، زیر بیرق اسلام طالبان امنیت را باز می یابد، روسیه و ایران از دور بازی خارج شده و این کشور در مدار استراتژیک آمریکا در این منطقه قرار می گیرد و راه کوتاه «خودی» برای انتقال نفت و گاز آسیای میانه از این کشور به سواحل اقیانوس هند باز می شود!

اما این رویاهای نشات گرفته از انحصار قدرت هم در اقتصاد و هم در سیاست، بسیار زود نقش بر آب شد. حساب غرب و مخصوصاً آمریکا، هم در کنار گذاشتن قدرت های منطقه و هم در فراموش کردن و یا ناپدید کردن نیروی مقاومت و مخالفت علیه طالبان در درون افغانستان غلط از آب درآمد و هم بویژه آنجا که عامل بنیادگرانی فوقاً افراطی از نوع وهابی در طالبان و نیز پشتون گرانی غلیظ آنها در محدوده تیره های جنوبی پشتون ها در این حکومت تازه به قدرت رسیده را درک نکرد. نتیجه آن شد که این موجود عجیب الخلقه، چنان رونقی به کشت خشخاش در افغانستان ویران شده داد که هراس بر جان جهانیان افتاد، چنان چنگی بر چهره مدنیت و تمدن انداخت که حتی «بی خاصیت ترین» رسانه های غربی را که مهارتشان در استثار فجایع بشری در کشورهای جهان سوم و برجسته کردن اولویتهای سرمایه غربی است به صرافت نقد و اعتراض انداخت و چنان تکیه گاهی برای اسامه بن لادن ها فراهم آورد که در هیچ نقطه از جهان مشابه آنرا نمی توان یافت و نه ممکن است که پدید آید. و اکنون آمریکا بر آن شده است تا خود ساخته را چاره کند!

**تصمیم واشنگتن کدام است و منشا آن چیست؟**  
در نخستین روزهای پس از فاجعه عملیات تروریستی در نیویورک و واشنگتن، دولت مردان آمریکائی سخت مبهوت و بیسناک بودند و گیج سری آنها را فرا گرفته بود. روانشناسی خاص اینروزها را روشنتر از همه «مرد اول» آمریکا - جرج دبلیو بوش - بازتاب داد. او با تکرار این جمله که: «ما نمی ترسیم»، در واقع ترس کاخ سفید را اعتراف کرد و با به زبان آوردن این جمله بغایت ناخردمندانه که «جنگ صلیبی در پیش است»، نشان داد که

بتواند قدرت تسلیحاتی هسته ای خود را حفظ نماید، در برابر هند تضعیف و بی یاور نشود، سیاست تجزیه طلبانه در قبال کشمیر را پیش ببرد و با بخشودن سسی میلیارد دلار بدی اش، اعتبارات مالی تازه ای بدست آورد و برای و خامت اقتصادی کشور اندکی چاره جویی کند، و یا اینکه بر همان موضع تاکنونی در قبال افغانستان بایستد و بر حفظ طالبان دست پرورده خویش در ارکان قدرت، پافشاری کند.

مسلم است که این دومی ممکن نیست. پاکستان ناگزیر از انتخاب اول است که البته بهای خاص خود را برای این کشور دارد. رها کردن طالبان، یعنی آغاز روند تقابل ژنرالها با مستحدان نزدیک آنها یعنی محافل بنیادگرای اسلامی در این کشور، و این یعنی بروز و رشد یک بحران سیاسی و ساختاری در پاکستان که تا حد تنشهای حاد سیاسی و اجتماعی و احتمال رشد جنبش های تجزیه طلبانه در این کشور موزائیکی به لحاظ ترکیب ملی و قومی آن.

روسیه، جمهوری اسلامی، تاجیکستان، ازبکستان، چین و با اندک فاصله ای، هند جملگی با دلایل خاص خود در ساقط شدن طالبان ذینفع اند و در نتیجه به لحاظ عینی، متحد یا همسو با سیاست کنونی آمریکا و غرب هستند. موضوع در این رابطه تامین توافق آنها در شکل دهی به قدرت پس از طالبان و حد و سهم متحدان درون افغانستان هر یک از آنها در ساختار قدرت آتی است. فرمولی که ظاهراً حول آن توافق های اعلام شده و نشده رو به حصول است، بازگرداندن ظاهرشاه به افغانستان با کمک اتحاد ضد طالبان شمال مرکب از نیروهای احمد شاه مسعود - که در حساس ترین روزهای حیات سیاسی آتی افغانستان با توطئه پاکستان - طالبان - اسامه بن لادن، به قتل رسید - و نیروهای ازبک و نیز وحدت گروه های شیعه، و کوشش برای کسند شدن بخشی از نیروهای حکومت طالبان از هسته اصلی و مرکزی آن، و بعد هم تشکیل یک لویه جرگه برای تأیید این تصمیم سیاسی تعیین شده از خارج از افغانستان.

چنین راه حلی برای افغانستان در شرایط کنونی شاید تنها راه و امکان نجات این کشور به فلاکت نشسته و ویران شده باشد. به شرط آنکه، اولاً هیچ کشور همسایه افغانستان و بویژه پاکستان خود را برکنار از تحولات سیاسی در افغانستان دور و برکنار نبیند. دوم آنکه، تخریب پول و امکانات برای سرپالایستادن و جان گرفتن این کشور نحیف و بیمار، در انحصار یک کشور معین نباشد. سوم، رژیم ایجاد شده بر پایه اتحاد قومی و ملی و با رعایت احترام به باور دینی مسلمانان افغانستان در مسیر امروزین و به سوی تمدن، استوار باشد.

اینهمه، محوریت سازمان ملل متحد در تحولات سیاسی این کشور را آنهم نه در یک محدوده زمانی کوتاه که برای مدتی طولانی ایجاد می کند. راه حل هائی جز این، تداوم فجاجع این کشور برای مردم آن و صلح و امنیت منطقه و جهان خواهد بود. راه حل افغانستان، صرفاً داخلی نیست، تنها دیپلماتیک و سیاسی نیست، و فقط هم خارجی و به کارگیری زور نیست. در اینجا، زور با ظرافت سیاسی تمام باید شود و تناسب عوامل خارج و داخل به نحو درستی برقرار گردد. در مسئله کنونی افغانستان ما با یک سیاست و روش که شمشیر دولبه را می ماند، روبرویم. پس در آرزوی تحقق وجه امید بخش تحولات اخیر باشیم و نگران وجه مایوس کننده این تحولات.

روابط مشخص شده نمی توانیم کلمات مبهمی را مطرح کنیم و بحث اعتدال در جوامعی است که بیشتر بافت سنتی دارند و مردم را با این عبارات از کارهای تند برحذر می دارند، ولی در جامعه های شیعه جامعه مدرن که نظم نوین در آن حاکم است قانون تعیین کننده نهائی است، در چنین جامعه های صحبت از اعتدال جائی ندارد.

**عطری افزود:** در جامعه کسانی که در عرصه حکومت هستند نمی توانند خطکش و معیار مردم برای افراط یا اعتدال قرار گیرند بلکه قانون مشخص کننده است و قانون هم در مواردی بسیار شفاف سخن گفته و در برخی موارد هم نارساست اگر ضعیفی وجود دارد باید بر موانع قانونی مساله تاکید شود.

وی با اشاره به اینکه هیچ تعریف مشخص و هیچ قانونی برای این کلمه وجود ندارد، گفت: در اصل استفاده از این کلمه مبهم (اعتدال) نه تنها به بهبود وضعیت جامعه کمک نخواهد کرد بلکه وضعیت را پیچیده تر خواهد کرد. عطری گفت: دولتی که مدعی پیاده کردن جامعه مدنی و دفاع از شکل گیری نهادهای مدنی در جامعه است، نمی تواند بجای این که زمینه شکل گیری نهادهای مدنی را فراهم کند جامعه را به پیگیری کلمات مبهم و کلی توصیه کند. وی افزود: در شرایط فعلی اقلی قشارتی هم بحث اعتدال را در جامعه مطرح می کند بدون آنکه

مصادیق این مساله مشخص شود. بسیار جای بحث و سوال دارد در جامعه ای که مدعی دفاع از حقوق آزادی هاست و داعیه گفتگوی تمدن ها را دارد، شاهد هستیم که برخی از شهروندان ما به خاطر احقاق حقوق خود که قانون آنرا به رسمیت شناخته در زندانها هستند یا برخورداری جدی با آنها صورت گرفته و عدای هم از سوی قانون شکنان قربانی خشونت شده اند، کسانی هم هستند که عملاً خشونت را سرلوحه کارهایشان قرار داده اند.

وی اظهار داشت: جریان اصلاح طلب باید به جای گرفتار شدن در کلی گویی به صورت صریح و شفاف پاسخگوی این مسائل باشد تا اینکه برای معاف کردن خود از پاسخگویی به ادبیات محافظه کاری گرفتار آید. در شرایط کنونی ما شاهد هستیم که عدای از نمایندگان مجلس به دلیل اظهار نظر در حیطه نمایندگی که قانون هم آنرا تصریح کرده محکوم به حبس شده اند و یا اگر شهروندی از حق آزادی بیان یا آزادی قلم خود استفاده کند، مورد حمله قرار می گیرد.

اگر قرار است اصلاحی صورت بگیرد باید در داخل خود حاکمیت صورت گیرد. عطری در پایان اظهار امیدواری کرد به جای کلی گویی های مبهم قوه قضائیه، متقنه و مجریه در اصل با قانون شکنان در بخش و گروهی که باشند برخورد شود.

اکنون فقط از طرف پاکستان، رسمیت دارد و آنهم صرفاً با این توجیه که تنها کانال مذاکرات دیپلماتیک ممکن کور نشود!

مسئله اما آینده افغانستان پس از طالبان است. مشغله عمده سیاستگذاران ایالات متحده آمریکا نیز در جنگی که دوره روز شمار خود را سبزی می کند، همین است و در این رابطه، جهات اصلی چنین اند: چه رژیم، چه باکدامین نیرو و با چه آینده تضمین شده ای؟

اگرچه حمله آمریکا به افغانستان و ساقط کردن امارات ملا، همانگونه که گفتیم در نگاه عمومی تر و استراتژیک برای آمریکا یک ضد حمله بنظر حفظ و تقویت موقعیت ابرقدرتی خویش در جهان است، اما در مقیاس افغانستان و منطقه ما به زیر کشیده شدن طالبان در نفس خود امری مثبت و مترقی است. هیچ حکومتی بدتر از طالبان نیست و نخواهد شد. رژیم جایگزین طالبان، رژیمی نمی تواند باشد که با بیرق حکومت دینی برآمد کند.

## اعتدال سیاسی سرپوشی برای محافظه کاری

### و حفظ وضعیتی موجود است

برگرفته از نشریه اینترنتی اخبار روز

رای مردم در سال ۷۶ در جامعه به وجود آمد، کسانی که این رای، عکس العملی در برابر آنها بود، مردم را به رعایت اعتدال توصیه نمودند.

وی گفت: در جامعه ما ثابت شده است افرادی از اعتدال صحبت می کنند و قانون را پس می زنند که سعی می کنند از پاسخگویی به مردم طفره روند. وی افزود: بیشتر این صحبتها از سوی محافظه کاران مطرح شده و امروزه بخشی از جریان اصلاح طلب نیز گرفتار آن شده اند و سعی می کنند با تمسک جستن به مفاهیم کلی و غیرمعین از پاسخگویی به مردم شانه خالی کنند. بنابراین حکومت نمی تواند خطکش تعریف افراط، باشد چرا که در آن صورت هر انتقادی که از سوی مردم و جامعه نسبت به ضعف و سستی و مشکلاتی که در ساختار حوزه قدرت است صورت گیرد، حکومت مردم را متمم به افراطی گری می کند.

آن چیزی که بایستی ملاک و معیار و خطکش

اکبر عطری:

اعتدال سیاسی سرپوشی برای محافظه کاری و حفظ وضعیت موجود است، دراصل آنچه می تواند مشخص کننده چارچوب اعتدال باشد، قانون است. اکبر عطری عضو اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در گفتگو با خبرنگار ایسنا با بیان این مطلب اظهار داشت: در احادیث و ادبیات گذشته، ما همواره توصیه به اعتدال و میانه روی شده است، ولی امروز، اعتدال تبدیل به پوششی برای توجیه نقض حقوق شهروندان و شانه خالی کردن از پاسخگویی به مردم شده است.

وی افزود: اگر احیاناً بخواهیم اعتدال را به معنای قانونگرانی و رعایت نظم و مقررات به کار ببریم بهتر است از واژه قانون که بسیار رساتر است استفاده کنیم.

عطری با اشاره به این که باید دقت کرد مفهوم اعتدال برای نخستین بار از سوی چه کسانی توصیه شده است، اضافه کرد: بعد از تغییر و تحولاتی که با







## تغییرات در صنعت نفت

فعالیت‌های بالایشی نفت و توزیع فرآورده‌ها به بخش خصوصی واگذار می‌شود

بنابر مصوبه هیات وزیران بالایش و بخش خصوصی واگذار می‌شود

شرکت ملی بالایش و بخش فرآورده‌های نفتی ایران که از زیرمجموعه‌های وزارت نفت است، به‌زودی فعالیت خود را به بخش خصوصی واگذار می‌کند. بر اساس این اقدام که در راستای قانون برنامه سوم توسعه صورت می‌گیرد، شرکت ملی بالایش فرآورده‌های نفتی و شرکت ملی بخش فرآورده‌های نفتی به صورت شرکت‌های مستقل فعالیت خود را ادامه می‌دهند. بر مبنای مصوبه هیات وزیران و بدین منظور شرکت مسادر تخصص بالایش و بخش فرآورده‌های نفتی در سازمان خصوصی‌سازی ایجاد شده است که ۱۳ شرکت در زیرمجموعه آن قرار دارد. این ۱۳ شرکت باید ظرف دو ماه آینده مبلغ و تعداد سهام قابل واگذاری خود را اعلام کنند. اسامی این ۱۳ شرکت عبارت است از: شرکت سهامی بالایش نفت بندرعباس، شرکت سهامی بخش فرآورده‌های نفتی، شرکت ملی مهندسی و ساختمان نفت ایران، شرکت بالایش نفت اراک،

شرکت بالایش نفت کرمانشاه، شرکت بالایش نفت اصفهان، شرکت بالایش نفت لوان، شرکت بالایش نفت تبریز، شرکت بالایش نفت شیراز، شرکت بالایش نفت تهران، شرکت بالایش نفت آبادان، شرکت پرسی‌گاز و شرکت ایران‌گاز، در همین راستا علی‌فراهانی معاون مدیر عملیات شرکت بخش فرآورده‌های نفتی اظهار داشت: این شرکت به دنبال آن است که تا پایان برنامه سوم توسعه تمامی تصدیه‌های خود را (به جز نگهداری انبارهای استراتژیک) به بخش خصوصی واگذار کند. وی افزود: در بخش جایگاه‌های توزیع بنزین و فرآورده‌های نفتی ما اکنون بخشی از واگذاری را انجام داده‌ایم و به زودی بخش اعظم این واگذاری به پایان می‌رسد. فراهانی منظوف‌سازی روغن موتور و سیستم حمل و توزیع آن را هدف بعدی سیاست واگذاری امور شرکت به بخش خصوصی ذکر کرد و گفت: امضای قرارداد با شرکت‌های خصوصی از هم‌اکنون آغاز شده است.

صادق زیباکلام:

## مهمترین سرمایه جنبش دانشجویی استقلال آن است

دوره ششم مجلس شورای اسلامی، در برخورد با آقای هاشمی رفسنجانی بود. اشتباه دیگر دفتر تحکیم وحدت انحصارطلبی و تکبر بیش از حد بود با این شعار که هر که با ما نیست پس برماست بسیاری شخصیت‌های مستقل فکری را از دست دادند و نتوانستند از نیروهای جدید دانشگاه‌ها یارگیری کنند. استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در تعریف اصلاحات و نقش دانشجویان گفت: اصلاحات یعنی آزادی بیان و اندیشه اصلاحات یعنی ایجاد کار برای بیکاران، مبارزه با جرم و اعتیاد، اصلاحات یعنی جلوگیری از فرار مغزها، یعنی پرکردن شکاف طبقاتی، اگر این تعریف به عنوان اصلاحات پذیرفته شود، نمی‌توان گفت دانشجویان در رأس جنبش اصلاحات قرار دارند، زیرا دانشجویان یک قشر اجتماعی پیشرو هستند که حداکثر می‌توانند فشار روی نظام وارد نمایند تا اصلاحات صورت گیرد. دکتر زیباکلام در پایان در مورد سخن سعید حجازیان در باره جنبش دانشجویی گفت: نمی‌دانم کسی که تجربه سیاسی غنی دارد چگونه می‌تواند مثل یک فرمانده امریه صادر بکند و یک حالت پدرخواندگی را برای جنبش دانشجویی داشته باشد، باید به تبعات چیزی که گفته می‌شود توجه کرد.

دکتر صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران که در باشگاه تحلیل‌گران آزاد سخن می‌گفت ضمن اشاره به تاریخ جنبش دانشجویی پیش و پس از انقلاب، به وضعیت فعلی «جنبش دانشجویی» اشاره کرد و گفت: جنبش دانشجویی یا همواره مخالف نظاره بوده و یا موافق نظام بوده ولی الان وارد مرحله جدیدی شده است که حالت بینابین دارد و علت اشتباهات مکرر جنبش دانشجویی حضور در این مرحله است چون تجربه فضا را نداشته است. استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در مورد پیش‌بینی آینده جنبش دانشجویی گفت: پیش‌بینی مشکل است چون به فضای عمومی کشور گره خورده است و امیدوارم که فضای عمومی کشور به سمت دموکراسی و بازشدن حرکت کند. دکتر زیباکلام اشتباه بزرگ جنبش دانشجویی و دفتر تحکیم وحدت را سرسپردگی به یک جریان خاص سیاسی کشور دانست و تصریح کرد: مهم‌ترین سرمایه جنبش دانشجویی استقلال آن است ولی دفتر تحکیم وحدت در سال‌های ۷۷ تا ۷۹ بیش از اندازه به جبهه مشارکت نزدیک شدند و استقلال خود را از دست داد. وی در مورد اشتباهات دیگر جنبش دانشجویی گفت: شاید بزرگترین اشتباه جبهه دوم خرداد به تبع آن دفتر تحکیم وحدت و جنبش دانشجویی تندروی در جریان انتخابات

این مقام شرکت بخش افزود: واگذاری مراکز سوختگیری هواپیماها در فرودگاه‌ها و نگهداری و ایمنی انبارهای سوخت، از کارهای دیگری است که ما به دنبال انجام آن هستیم. وی یادآور شد: به دلیل این که طی دهه‌ها سال انحصار امور مربوط به نفت در اختیار دولت بوده، ما بخش خصوصی فعالی در این رابطه نداشته‌ایم و بزرگترین مساله پیش روی ما این است که بتوانیم چنین متخصصانی را در این بخش تربیت کنیم. چرا که برخی امور مربوط به نفت دارای حساسیت بسیار زیادی است. به گفته فراهانی تجربه واگذاری امور حمل و نقل شرکت بخش فرآورده‌های نفتی به بخش خصوصی مناسب بود و سبب کاهش قابل ملاحظه هزینه‌ها برای ما شد و در برخی جاها هزینه‌های پرسنل را تا یک پنجم کاهش داد و سیستم توزیع نیز بدون مشکل بود. وی توجه به نیروهای انسانی این شرکت را نیز برای تسریع در خصوصی‌سازی ضروری دانست و گفت: بستدریج که تصدی دولت در بخش‌های مذکور کاهش می‌یابد باید بتوانیم برای نیروهای شرکت تدبیری بیندیشیم. به گفته فراهانی در نهایت تنها کنترل، نظارت و هدایت برعهده این شرکت باقی ماند.

محسن سازگارا:

دنباله‌روی جنبش

دانشجویی آن را

به سرنوشت

کنفدراسیون‌های

دانشجویی قبل از

انقلاب دچار می‌کند

دانشجو به جای دنباله‌روی از سایر احزاب و به جای قرارگرفتن در دسته‌بندی گروه‌های سیاسی باید با توجه به روندهای کلی اجتماع به عنوان مرجعی مهم در برپائی دوباره نظرات خویش شناخته شود. محسن سازگارا در بین دانشجویان دانشگاه زنجان اعلام کرد: در صورت ادامه روند تبعیت جنبش دانشجویی از احزاب، این جنبش به سرنوشت کنفدراسیون‌های دانشجویی قبل از انقلاب دچار خواهد شد.

به گزارش ایسنا وی که به دعوت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان به این شهر سفر کرده بود در نگرش تحلیلی به تاریخچه جنبش دانشجویی با تقسیم مراحل این جنبش به سه مرحله زمانی جمهوری اول دوم و سوم به تبیین گسترش روند جنبش دانشجویی پرداخت.

وی با اطلاق جمهوری اول به دوره زمانی قبل از انقلاب و بعد از آن تا زمان رحلت امام خمینی این دوره را دوره پدید آمدن جنبش دانشجویی و سپس تثبیت آن در میان افکار عمومی دانست و افزود: در قبل از انقلاب میزان تاثیر اپوزیسیون درون حاکمیت بر سرکوب و آرام‌ساختن این جنبش به نوعی در صحنه معاملات و مبادلات بازار سیاست نقش بازی می‌کرد که میزان تاثیر تحرکات دانشجویی بر شاخصه جمعیتی آن زمان از نقش مهمی که پیکره فعالیت‌ها و تحرکات دانشجویی بر عهده داشت پرده برمی‌داشت.

وی با اشاره به کنفدراسیون‌های دانشجویی که به عنوان تلور حضور این جنبش در خارج از کشور محسوب می‌شوند خاطر نشان ساخت: به علت راهیابی اندیشه‌های کمونیستی در این کنفدراسیون‌ها آن‌ها کم‌کم در مسیر انشقاق قدم گذاشتند و باعث افتراق گروه‌های مختلف دانشجویی از جریان مذکور شدند که طی آن مصطفی چمران دبیر دفاع کنفدراسیون طی کودتای برکلی از شاخصه فوق‌الذکر بیرون گذاشته شد.

تغییر نظام

آموزشی بدون

مشارکت مردم

پیش نخواهد رفت

ادامه از صفحه ۵

بررسی وضعیت

اقتصاد جهانی

پس از ترور

علیه آمریکا

ادامه از صفحه ۱۲

## عملیات آفتاب پرست

ادامه از صفحه ۱۲

آمریکا در شهر رم با ظاهر شاه دیدار کردند. تاسیس «شورای عالی افغانستان» و آینده افغانستان بعد از طالبان محور اصلی تحرکات اخیر است. هنوز عکس‌العمل آمریکا نسبت به ترورها در هاله‌ای از ابهام است. از یک سو گوندولا رایس مشاور امنیتی جرج بوش سخن از تهجم وسیع نظامی، پیاده کردن نیرو در افغانستان دارد و از سوی دیگر وزیر دفاع و خارجه آمریکا از اقدامات همه‌جانبه و طولانی مدت سیاسی - اقتصادی و نظامی صحبت می‌کنند. در سازمان ملل نیز هفته گذشته ایالات متحده نیم میلیارد دلار از بدهی‌های خود به این سازمان را پرداخت کرد و با ارائه طرح قطعنامه‌ای به شورای امنیت که به تصویب این شورا نیز رسید خواستار مسدودکردن دارائی‌های همه کشورهای شد که در عملیات تروریستی دخالت دارند. کنترل مرزها، محدودکردن روند پناهندگی و مهاجرت، تعقیب قانونی مشکوکین و تبادل اطلاعات میان دولت‌ها از مفاد دیگر این قطعنامه است که قرار است توسط یک کمیته ۱۵ نفره و گروهی از متخصصین امور بانکی و فنی نظارت شود.

بروز فاجعه انسانی هشدار داده است. به غیر از حمایت چند گروه متعصب پاکستانی، اعلام «جهاد» طالبان از حمایت هیچ نیروی برخوردار نشد. با این حال «ثبات» سیاسی و آینده پاکستان در هر صورت تحت تاثیر سیاست آمریکا در قبال افغانستان قرار گرفته است. پاکستان در کنار آمریکا متعصبین مذهبی، وهابیون و پشتون‌های شمال آن را در کنار طالبان قرار می‌دهد. پاکستان در کنار طالبان این کشور را در مقابل آمریکا قرار می‌دهد.

به غیر از پاکستان، دولت‌های عربستان و امارات متحده عربی تنها کشورهای که طالبان را به رسمیت می‌شناختند. ارتباطات دیپلماتیک خود را با طالبان قطع کردند.

کرندهای نظامی به اتحاد شمال افزایش یافته و نیروهای این اتحاد به موفقیت‌های نظامی دست یافتند. نمایندگان عالی‌رتبه اتحاد شمال، فرانسیس و تندرل نماینده سازمان ملل و هیاتی از نمایندگان کنگره

دکتر محسن سازگارا دوره زمانی جمهوری دوم که تا دوم خرداد ۷۶ ادامه داشت را دوره کسب استقلال انجمن اسلامی دانشجویان به عنوان یکی از چند شکل موجود محدود نامید و با بازخوانی پرونده جمهوری سوم افزود: جمهوری سوم پس از دوم خرداد ۷۶ با عقبه نامی اصلاحات و با تکیه بر پشتوانه عدم وابستگی پویاترین و فضاگرا ترین نقش را در تساریخ تمام انجمن‌های دانشجویی بازی کرد.

وی با اشاره بر این نکته که دنباله‌روی از احزاب سیاسی سبب‌ساز سرنوشتی می‌شود که تاریخ برای کنفدراسیون‌های دانشجویی رقم زده‌است ادامه داد: با تکیه بر این موضوع که حرکت‌های دانشگاه در تمام نقاط دنیا و در تمامی زمان‌ها با دو عامل متادی علم جدید بودن و همچنین آرمان‌خواه بودن تعبیر و تفسیر می‌شود تاکید کرد: دانشجوی به جای دنباله‌روی از سایر احزاب و به جای قرارگرفتن در دسته‌بندی گروه‌های سیاسی باید با توجه به روندهای کلی اجتماع به عنوان مرجعی مهم در برپائی دوباره نظرات خویش شناخته شود.

## کار

ارکان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوب) دو هفته بیکار در روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

زیر نظر شورای سردبیری

سردبیر

بهرروز خلیق

شورای سردبیری

فریدون احمدی

بهزاد کریمی

علی مختاری

اطلاعیه هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر)

## مردم افغانستان نباید

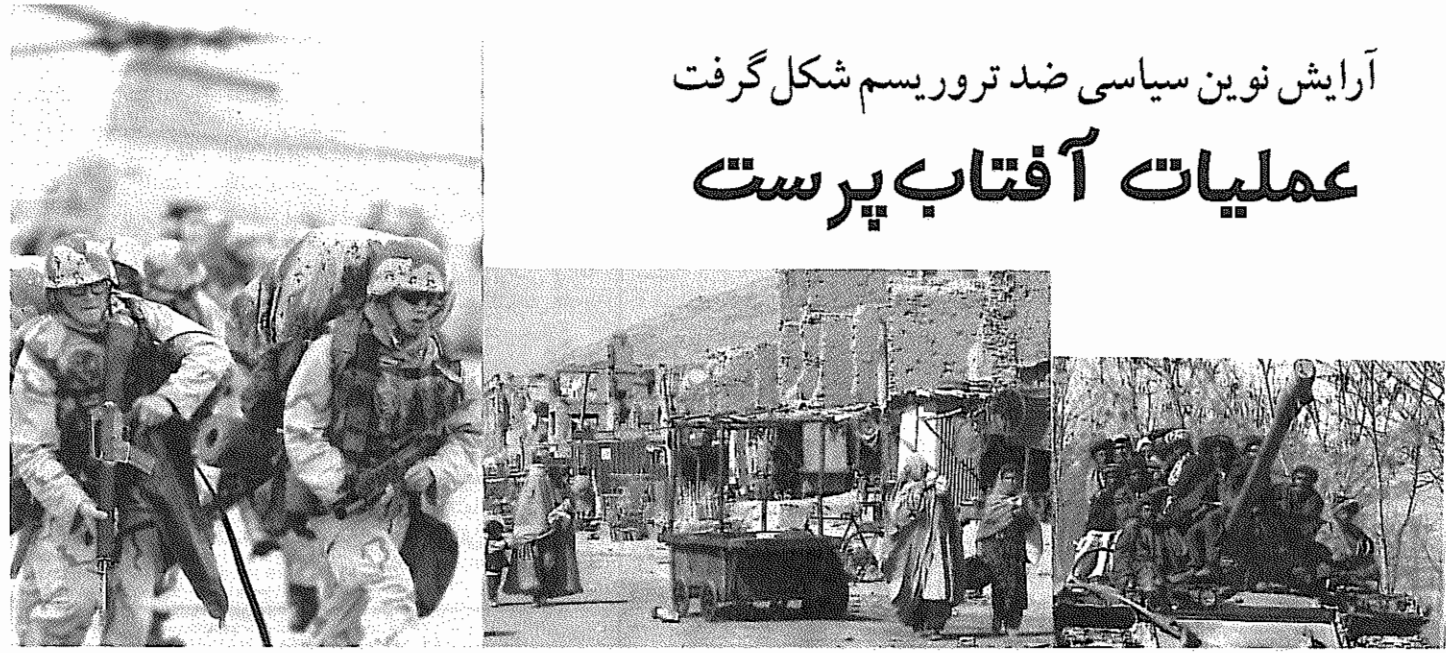
### تاوان جنایت‌های تروریسم را بدهند!

در این لحظات نگران‌کننده که مردم زجر دیده کشور همسایه ما، افغانستان، و بشریت صلح دوست با شیخ سنگین یک جنگ انتقام‌جویانه و کور روبرو هستند، همگان موظفند تا به مقابله با سیاست‌های بی‌فرجام محافل جنگ طلبانه در آمریکا و ماجراجویی‌های خانمانسوز طالبان در افغانستان برخیزند و با تاکید بر شیوه‌های هدفمند و انسانی مبارزه با تروریسم، مانع از کشتار مردم بی‌پناه افغانستان شوند.

اکنون که اراده نیرومند و متحدی در پیته جهان برای مبارزه با ترور و تروریسم شکل گرفته است؛ حال که در حد همان شواهد رسمی اعلام شده، تروریست سابقه‌دار «اسامه بن لادن» متهم و مظنون اصلی در وقوع جنایت شیخ و دهشتناک نیویورک و واشنگتن علیه شهروندان آمریکایی معرفی شده است؛ و اینکه که پس از سالها تأخیر جبران‌ناپذیر و غیر قابل بخشایش دولت آمریکا، سرانجام «طالبان» این دستپخت شیطانی نظامیان حاکم بر پاکستان برای تحویل این تروریست تحت فشار قرار گرفته است، ما اعلام می‌داریم که: اسامه بن لادن باید از سوی طالبان تحویل داده شود، اما در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه شود، او نه تنها متهم به اقدام دهشتناک اخیر در آمریکا، بلکه همچنین متهم به بسیار جنگ و قتالی است که در طول بیست سال گذشته زیر چتر حمایتی دولت‌های ذینفع در جنگ داخلی افغانستان واقع شده است. پس حق جامعه بشری است که اسامه بن لادن در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه شود. دستگیری بن لادن بهیچ رو نباید به بهای کشتار مردم بیگناه افغانستان انجام گیرد. شرط تحقق این امر، بهره‌گیری از راه‌حل‌های سیاسی و دیپلماتیک است که اینک از زمینه اجرایی پس‌نیرومندی برخوردار هستند. انزوای قطعی طالبان از طریق تحت فشار قراردادن پاکستان، عربستان سعودی و اما...ات متحده عربی که حامیان اصلی و مانع‌کننده دولت فوق‌ترتجای در افغانستان هستند، هم می‌تواند به تسلیم طالبان در زمینه تحویل بن لادن منجر شود و هم مانع از قتل عام مردم دردمند افغانستان و تخریب افغانستان ویران‌شده گردد. هرگونه عملیات جنگی در افغانستان که بدون مداخله اعضای سازمان ملل متحد و بیرون از نظارت و مشارکت آنان صورت گیرد، زمینه‌ساز فضای تخاصم و بدگمانی بیشتر در منطقه حاس خاورمیانه و آسیای مرکزی خواهد شد و همه معادلات سیاسی جهان را زیر تأثیرات منفی خود خواهد گرفت. هر نوع اقدام تک‌روانه و ماجراجویانه دولت جرج بوش در افغانستان، می‌تواند آمریکا را در باتلاق یک جنگ بی‌فرجام و فرساینده فرو برد و نه تنها موجب زیان‌های بزرگ انسانی و مالی برای مردم این کشور شود و به مصیبت‌های به اندازه کافی وحشتناک نیویورک و واشنگتن ابعاد تاریخی و وحشتناک‌تری بدهد، بلکه مایه خسران کل بشریت گردد.

ما، بار دیگر به صدای بلند اعلام می‌کنیم که ایزاز آنرا از تروریست‌های جنایتکاری که فاجعه اخیر در آمریکا را آفریند، و همدردی واقعی با بستگان قربانیان این جنایت‌ها و مردم آمریکا، همانا آن خواهد بود که مبارزه با تروریسم‌ها و تروریسم نه با توسل به ترور و تروریسم، بلکه از طریق بهره‌گیری خردمندانه از اراده متحد سیاسی جهان علیه هر نوع و هرگونه تروریسم و خشکاندن منابع و ریشه‌های آن صورت گیرد.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر)  
۲۷ شهریورماه ۱۳۸۰ - ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۱



مردم فقیر و کورسه افغانستان در محاصره تروریسم داخلی طالبان و حمله احتمالی ارتش آمریکا

رسیده روسیه کمک‌های نظامی گسترده‌ای در اختیار نیروهای ائتلاف شمال قرار داده واحدهای مخصوص ارتش انگلیس در کنار نیروهای این ائتلاف با طالبان در جنگ هستند.

دولت بوش آشوب استبداد استراتژیک اولیه خود را تصحیح و مسئله مبارزه علیه «تروریسم» و «اسلام» را از هم تفکیک کرد. از یک سو جرج بوش در مسجد مسلمانان آمریکا حضور یافت و از سوی دیگر سکوت دولت‌ها و رسانه‌ها در مورد جنایات طالبان در افغانستان شکست. طالبان اعلام کردند در صورت حمله آمریکا به افغانستان اعلام جهاد می‌کنند. تشدید احتمال حمله آمریکا به فرار مردم از شهرها انجامید. هم‌اکنون صدها هزار نفر در سخت‌ترین شرایط در جوار مرزهای بسته پاکستان و ایران در اردوگاه‌های آوارگان زندگی می‌کنند. سازمان ملل نسبت به ادامه در صفحه ۱۱

قربالوقوع نظامی آمریکا به افغانستان هستند. فعالیت‌های دیپلماتیک گسترده‌ای برای تشکیل یک جبهه وسیع سیاسی ضد تروریسم در جریان است. در نخستین اقدام، آمریکا تحریم‌های هند و پاکستان که بعد از آزمایشات اتمی این دو کشور به اجرا گذاشته شده بود را لغو کرد. هفته گذشته تحریم علیه سودان نیز لغو گردید. سپس وزیر امور خارجه انگلیس عازم ایران و پاکستان شد، دو روز بعد هیئت ترویج‌های اروپا به منطقه مسافرت کردند. روسیه، ارمنستان، کشورهای آسیای مرکزی و اوکراین آمادگی خود را برای همکاری با آمریکا اعلام کردند. آمریکا از چین نیز تقاضای مشارکت در تامین اطلاعات و شرکت در مبارزه علیه تروریسم کرده است. ولادیمیر پوتین در مسافرت خود به آلمان از عضویت روسیه در ناتو و اتحادیه اروپا سخن گفت.

هم‌اکنون بر اساس گزارش‌های جهان پس از ترور

پس از این ترور جنایتکارانه موجی از اعلام همبستگی با مردم آمریکا و محکوم کردن تروریسم از سوی همه مردم و دول جهان به پا خاست.

ایالات متحده اسامه بن لادن را مظنون درجه اول و دولت طالبان در افغانستان را حامی او اعلام کرد. ناتو، ماده ۵ این پیمان که اعضا را به حمایت از عضو ضربه خورده موظف می‌کند را به اجرا گذاشت. هفته گذشته در اجلاس فوق‌العاده وزرای دفاع این پیمان در بروکسل همه منتظر ارائه اسناد و مدارک دست داشتن بن لادن در این جنایت بودند ولی معاون وزیر دفاع آمریکا از ارائه این مدارک «خودداری» کرد. متعاقب آن جرج رابرتسون دبیرکل ناتو اعلام کرد ارائه اسناد و مدارک لازم نیست و استناد به گفته یک عضو در مورد حمله خارجی به آن برای ماکافی است.

در حالی که همه منتظر حمله

احمد الغامدی، فائز احمد، مروان الشیخی و فهد الشری بوده و به برج جنوبی اصابت کرد.

در همه تیم‌های ترور حداقل یک نفر آشنا به فن خلبانی که در مدرسه‌ای در فلوریدا آموزش دیده بود وجود داشت. همه اعضای تیم‌های ترور از کشورهای مختلف عربی، تحصیل کرده و از خاندان‌های ثروتمند و مرفه بوده‌اند.

برای سازمان‌های امنیتی نحوه رفتار و زندگی این افراد مانند «آفتاب‌پرست» است. تدارک این عملیات سالها طول کشیده است، نه تنها هیچیک از آنان تاکنون در محافل اسلامی و تندرو دیده نشده‌اند، بلکه شیوه زندگی «عربی» از خود ارائه می‌داده‌اند. دوستان و خانواده‌های آنان از نحوه تفکر و زندگی آنان با اطلاع نبودند. همه آنها زندگی عادی و انسان‌های معمولی بودند که ناگهان در روز موعود «رنگ» عوض کردند.

پس از انفجارهای نیویورک و واشنگتن پلیس اف. بی. آی اسامی ۱۹ جوان عرب را بعنوان مسببین عملیات انتحاری روز ۱۱ سپتامبر منتشر نمود. بر طبق این گزارش:

- پرواز شماره ۷۷ شرکت هوایی آمریکان که از واشنگتن به پرواز درآمد توسط خالد المحضار، ماجد مفید، نواف و سالم الخمری ربوده شد و به ساختمان پنتاگون اصابت کرد.
- پرواز شماره ۹۳ شرکت هواپیمایی یونایتد که از نیویورک به پرواز درآمد توسط زیاد الحراج، سعید الغامدی، احمد النعمی ربوده و در ایالت پنسلوانیا سقوط کرد.
- پرواز شماره ۱۱ شرکت هوایی آمریکان توسط محمد عطا، عبدالعزیز العمری، ولید و وایل الشهیری و سلطان اقسامی ربوده و به برج شمالی ساختمان تجارت جهانی اصابت کرد.
- پرواز شماره ۱۷۵ شرکت هوایی یونایتد توسط حمزه و

پس از انفجارهای نیویورک و واشنگتن پلیس اف. بی. آی اسامی ۱۹ جوان عرب را بعنوان مسببین عملیات انتحاری روز ۱۱ سپتامبر منتشر نمود. بر طبق این گزارش:

پس از انفجارهای نیویورک و واشنگتن پلیس اف. بی. آی اسامی ۱۹ جوان عرب را بعنوان مسببین عملیات انتحاری روز ۱۱ سپتامبر منتشر نمود. بر طبق این گزارش:

## بررسی وضعیت اقتصاد جهانی

### پس از ترور علیه آمریکا

محمود صالحی



پائین آوردن ظرفیت تولید خود هستند که در فصل دوم سال جاری به میزان ۱۵ درصد کاهش یافته است.

تا قبل از ترورها بانک مرکزی آمریکا ۷ بار بهره پایه پول را کاهش داد ولی تأثیری در جلوگیری از بروز رکود نداشت، زیرا سرمایه‌گذاری مفید است اما از آنجایی که بحران در قسمت «عرضه» یعنی تولید وجود دارد این سیاست پولی بدون تأثیر ماند. تا زمانی که انبارها خالی نشود و ظرفیت تولید پائین آورده نشود، شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری جدید دست نخواهند زد.

توروز به زود علت شد! متخصان مسائل اقتصاد کلان ضرر و زیان ناشی از ترورها را ۲۵ میلیارد دلار برآورد می‌کنند. بر اثر شوک این ترور رشد اقتصادی آمریکا یک درصد از خود کاهش نشان داد و از برآورد ۲/۰ درصد مثبت به ۸/۰ درصد منفی رسید.

پس از حمله به آمریکا ارزش سهام شرکت‌های هواپیماسازی، خطوط هوایی و شرکت‌های بیمه بشدت سقوط کردند. بنا بر برخی شواهد آغاز سقوط بهای بورس این شرکت‌ها قبل از حملات بوده ادامه در صفحه ۱۱

صادرات آمریکای لاتین به ایالات متحده است. هر یک درصد رشد کمتر اقتصادی در آمریکا به معنی نیم درصد رشد کمتر در کشورهای اتحادیه اروپا است و مالزی بیش از یک چهارم درآمد سرانه خود را از طریق صادرات به آمریکا کسب کرده است. از سوی دیگر کمتر کنسرن آمریکایی است که در اقصی نقاط جهان شعبه نداشته باشد. یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید «اگر آمریکا عطسه کند، اروپا سرما می‌خورد»!

بررسی علل رکود اقتصادی در آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد که همواره با افزایش قیمت‌ها شروع و به افزایش نرخ بهره و سپس کم شدن میزان سرمایه‌گذاری و اخراج کارگران و تنزل مصرف انجامیده است.

این بار اما رکود آمریکا ناشی از سرمایه‌گذاری بیش از حد در عرصه «IT» است. شرکت‌های سازنده نیمه‌هادی‌ها، مخابرات، کامپیوتر در سال گذشته بر گنجایش تولید خود ۵۰ درصد افزودند. میزان میانگین سرمایه‌گذاری در سالهای ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۰ بطور متوسط ۱۰/۵ درصد رشد نشان می‌دهد. اینک با توجه به شرایط بازار این شرکت‌ها در حال

بر اثر کاهش بهای بورس در این بازارها ۲۰۰ میلیارد دلار زیان دیدند. ترکیه، مکزیک، برزیل، لهستان، آرژانتین و بسیاری دیگر از کشورها دست بگریبان بحران مالی، صنعتی، بیکاری، تورم و ورشکستگی اقتصادی هستند.

بر اساس تخمین متخصصان بانک «مورگان استنلی»، اقتصاد جهانی از سال ۱۹۹۶ تاکنون بیش از ۴۰ درصد رشد خود را بدون رشد مستقیم و یا غیر مستقیم (از طریق واردات) اقتصاد آمریکا است. تنها تولید ناخالص ملی آمریکا حدود ۱۱ تریلیون دلار است. کسری تبادل تجاری آمریکا در دهه ۹۰ برابر شد و سال گذشته به ۳۴۰ میلیارد دلار رسید. در واقع اقتصاد آمریکا همچون موتور برای اقتصاد جهان عمل می‌کند. برای نمونه بین ۴ تا ۵۰ درصد

در اروپا نیز وضعیت به همین گونه است. اقتصاد از رشد افتاده و بر تعداد بیکاران هر روز افزوده می‌شود. تنها در شش ماهه اول سال جاری در آلمان ۱۴۵۰۰ شرکت اعلام ورشکستگی کرده‌اند که نسبت به شش ماه اول سال گذشته ۱۰ برابر افزایش نشان می‌دهد. نرخ تورم به ۳ درصد رسیده و شاخص‌های بازار سهام هر روز سیر نزولی دارند. به نظر می‌رسد وضعیت نامطمئن یورو که اوائل سال آینده واحد پول مشترک ۱۱ کشور اروپایی می‌گردد، بر سرمایه‌گذاری و وضعیت اقتصادی اعضای اتحادیه تأثیر گذاشته و بسیاری از رشته‌های اقتصادی و صنعت محتاطانه عمل می‌کنند.

نرخ رشد اقتصادی ژاپن در چهارماهه اول سال جاری برای نخستین بار «منفی» شد و بیکاری به ۵ درصد رسید که از

هشتین سال علانم رشد مثبت نشان می‌داد، شاخص‌های سهام «Dow-Jones» برای نخستین بار از مرز ۱۰ هزار گذشته، بیکاری به نازل‌ترین حد خود طی دهها سال رسیده بود. برای نخستین بار طی ۱۶ سال گذشته جهان در سال ۲۰۰۰ شاهد رشد اقتصادی ۴/۸ درصدی بود. در سراسر جهان دیگر بلیت‌های بخت‌آزمایی نبودند که باعث میلیونر شدن می‌گردیدند، بلکه توسعه سریع و سودهای کلان تکنولوژی الکترونیک «IT» نوید از رشد دائمی اقتصاد می‌داد. برخی از متخصصان حتی صحبت از «پایان رکود ادواری» در اقتصاد می‌کردند.

تنها ۹ ماه بعد از اعلام پایان بیماری مزمن کاپیتالیسم یعنی رکود ادواری برای نخستین بار طی ۲۵ سال گذشته ما شاهد سقوط «همزمان» و «هم‌جانبه» شاخص‌های اقتصاد در عرصه جهانی هستیم: از آهنگ رشد اقتصادی آمریکا در فصل دوم سال جاری بشدت کاسته شد و اکنون به ۲/۰ درصد رسیده است، از سوی دیگر روند بیکاری افزایش یافته و به ۴/۹ درصد رسید. تنها در آغاز موج اخراج‌های دسته‌جمعی در یک سال گذشته ۱۱۳ هزار شغل نابود شده‌اند.

در نگاه اول به نظر می‌رسد ترورهای روز سه‌شنبه ۱۱ سپتامبر در آمریکا تأثیرات عمیقی بر روی وضعیت اقتصاد جهانی به جای گذاشته باشد. برای نخستین بار پس از جنگ جهانی اول بازار بورس داو جونز در نیویورک بر اثر ترورها چند روز تعطیل شد و پس از بازگشایی مجدد ۱۴/۳ درصد سقوط کرد. بالاترین سقوط بهای سهام در سالهای رکود اقتصادی دهه ۳۰ به میزان ۱۵ درصد بود. تمامی بازارهای جهانی شاهد سقوط آزاد چندین شاخص بورس مثل سهام بیمه، سهام شرکت‌های هواپیمایی و هواپیماسازی و غیره بودند.

بانک مرکزی آمریکا بخاطر پشتیبانی مالی برای هشتمین بار متوالی بهره پایه سرمایه را کاهش داد. متعاقب آن وزرای اقتصاد و دارائی کشورهای عضو اتحادیه اروپا تشکیل جلسه داده و انجام اقداماتی را برای مبارزه با شرایط کنونی به تصویب رساندند.

تا قبل از ترورها  
وقتی که سال ۱۹۹۹ در سیاتل هزاران نفر به خیابانها ریختند و علیه «گلوبالیسم» به تظاهرات پرداختند، «واقعیت‌های اقتصادی» بر علیه آنان بود. رشد اقتصادی در ایالات متحده برای